

اندیشه های نابلدار

نویسنده:

مهدی اقبال سر مهدی آبادی

بنام خداوند جان و خرد

اندیشه های نابیدار

(سخنان کوتاه)

مهدی اقبالی مهدی ابادی



سرشناسه	: اقبالی مهدی‌آبادی، مهدی، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: اندیشه‌های ناپایدار/نویسنده مهدی اقبالی‌مهدی‌آبادی،
مشخصات نشر	: تهران: سبز رایان‌گستر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ص.
شابک	: 978-600-416-473-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: خودیاری -- مطالب گونه‌گون
موضوع	: Self-help techniques -- Miscellanea
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ الف۱۷/لف/BF۶۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۲۷۲۱۰

ناشر: انتشارات سبز رایان گستر

چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۴۷۳-۴۱۶-۶۰۰-۹۷۸

صفحه آرای: دفتر فنی طاها

تعداد صفحه: ۱۱۳ص

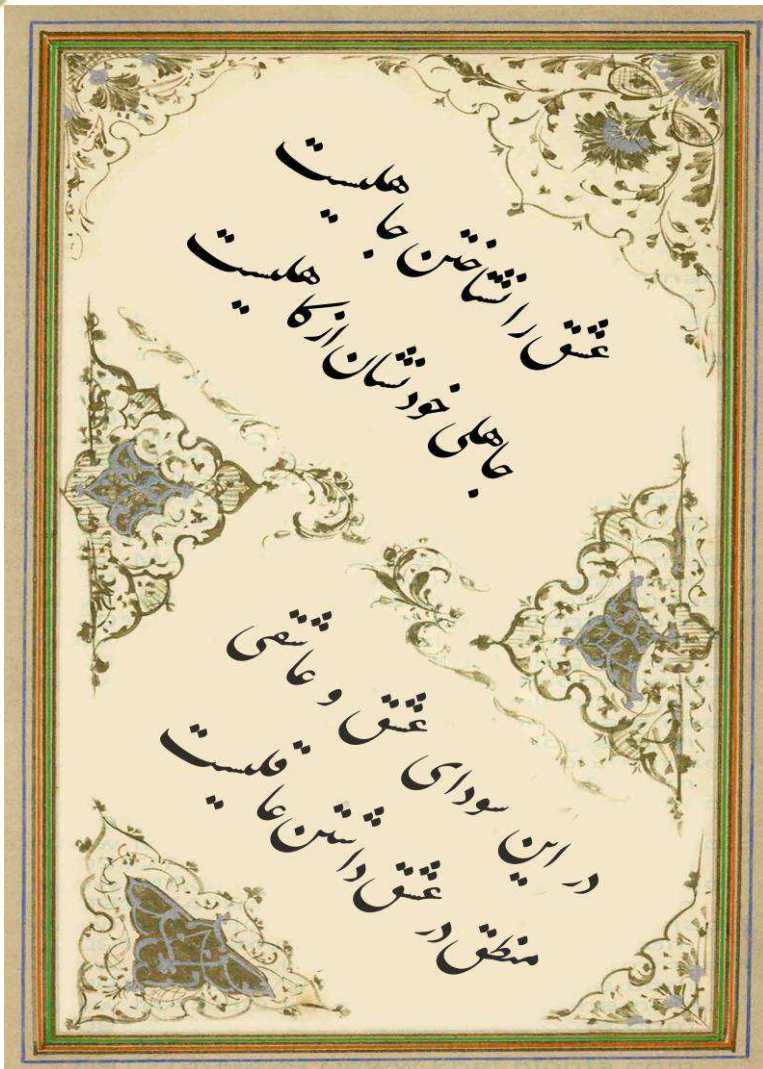
حق چاپ محفوظ و متعلق به مؤلف است

پیشگفتار

این نوشتار دستاورد بیست و پنج سال نگاه، بررسی، آزمون و زندگی من در زیستگاههای گوناگون با آدمهای دارای باورهای گوناگون می باشد که بدست خانواده ودوستان و دانشجویان ارجمند گردآوری و انگیزه گستردن آن را در من ایجاد کرد.

سپاس از همه و پیشکش به همه

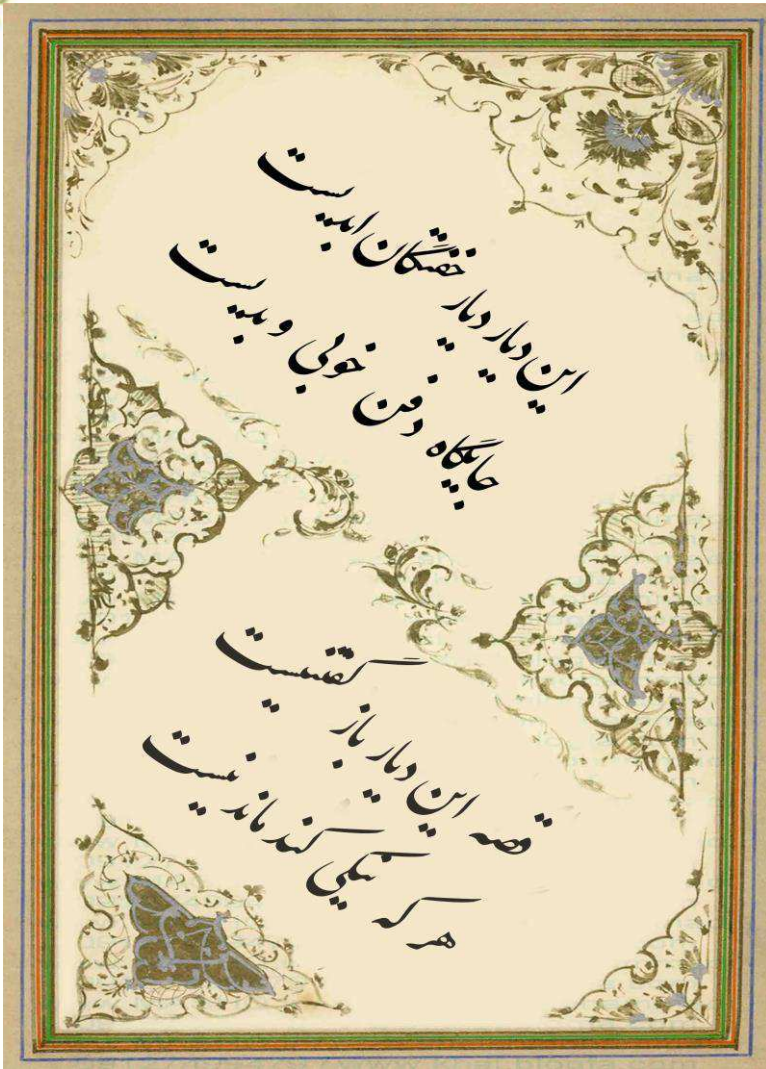
۱۳۹۷



- ❖ برای من آشکار شده که خوگرفتن با خرد پیوند وارون دارد.
- ❖ زیرکی یک آرمان ویژه به فرد نیست و نکه بایستگی زندگی همبودین هرانسان است.
- ❖ برای زندگی والاتر، درمغز باید دگرگونی برپا داشت نه درخیابانها.
- ❖ گروهی از آدمها هستند نیایش نمی کنند و نکه خواهش می کنند.
- ❖ اگر از دستمایه ای هیچی ندانیم خیلی بهتراست تا اینکه کم بدانیم.
- ❖ به ژرفای آدمها نمی شود پی برد هرچند بزور چون کارهای باور نکردنی هر آدمی سرچشمه ی آزادی اش می باشد.
- ❖ خودسالاری زمانی دریافته می شود که هنگامی هستی، توانگر باشی.
- ❖ بزرگ بودن هراندیشه ای به پیگیری کردن آن دردیرباز نیست و نکه به آسوده شدن از آن است.
- ❖ شک کردن به چم جنبیدن است، آنگاه نخست درخودمان شک کنیم، تا از خودمان بجنبیم.
- ❖ جهان آراییی به چم هما وردی دربازی بدست آوردن فرمانروایی است.
- ❖ انبوهی از کارهای سودمند گاهی خردمندانه ی ویژه نیستند.
- ❖ آزادی درهمبودگاه به چم هم اندیشی و بیشماری، و درخود به چم خودسالاری است.
- ❖ هنگامیکه دیرزمانی دریاوه ها بمانیم بی گمان یاوه را درستی و راستی می بینیم.
- ❖ از کاربدآدمها شگفت زده نمی شوم تنها شگفت آوراست چرا خودشان از کارشان شگفت زده نمی شوند.

- ❖ جاه پرستی همان بت پرستی است.
- ❖ یگانه ترازوی سنجش و داور کارهای ما، کامیابی و پیروزی ما نیست.
- ❖ هر آدمی نیمه تاریکی دارد که تنها خودش می داند و هیچگاه دیده نمی شود.
- ❖ خنده درست، خنده ای است که آخرین فردی باشیم بخندیم.
- ❖ اگر خدا میخواست آدمها تنها پیروی کورکورانه کنند، جور دیگری می آفریدشان.
- ❖ سروده خوب سروده ای است که نیاز به روشن سازی سراینده نداشته باشد.
- ❖ در جهان امروز کشوردار کم داریم ولی دلباخته کشورداری کردن زیاد است.
- ❖ شورش زمانی ارزشمند می شود که دادگر، ستمگر شود.
- ❖ کردار بد هرانسانی برآمده از باور بد اوست.
- ❖ برخی به نادانی خودشان پذیرا هستند ولی به خارج از نادانی خود نه.
- ❖ میزان آدمی گری به توانایی اندیشه بستگی دارد.
- ❖ از کسیکه آبشخور خوراکی اش باورهای دینی اش هست باید دوری کرد.
- ❖ باید راستینگی، واژه ها را دگرگون کند آنگاه می بینیم که واژه ها راستینگی را دگرگون کردند.
- ❖ بسیاری هستند که نیش را در چارچوب نوش میزنند.
- ❖ چشم بندی آسان است ولی راه خرد را بستن سخت است.

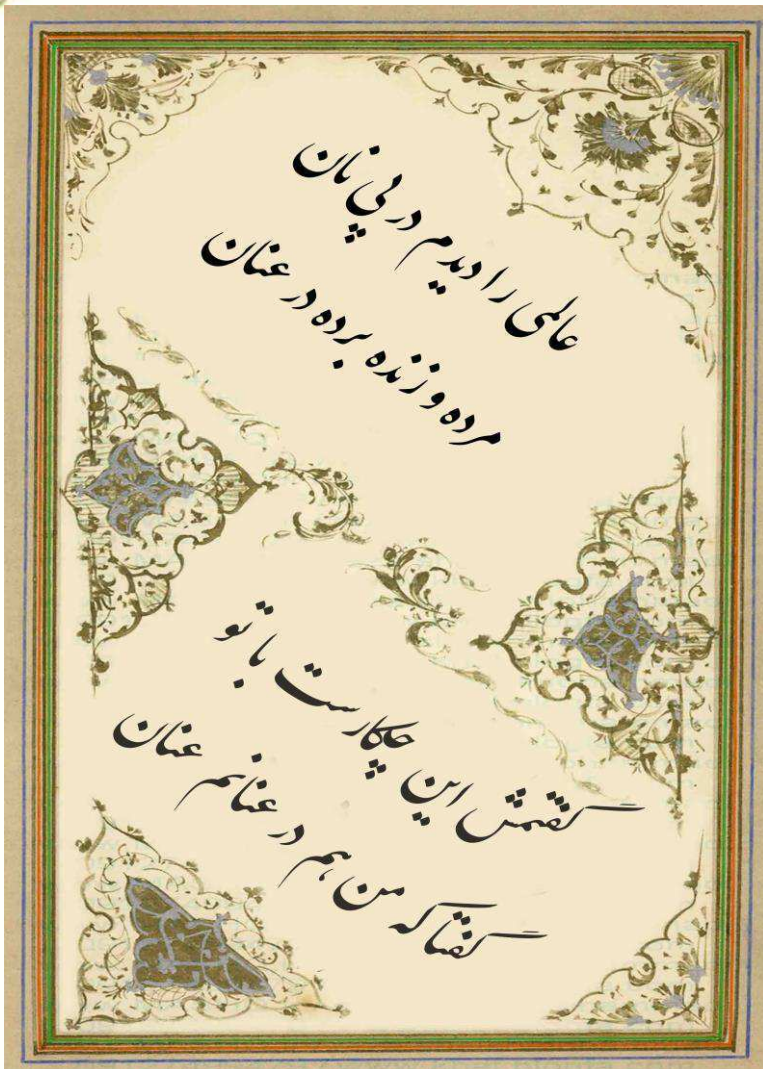
- ❖ دلباخته، دلباختگی را می آفریند و دلبر همان دلباختگی است که دلباخته را آفریده.
- ❖ اگرما می توانیم خود را کوچک بشماریم و یا بزرگ بینداریم این نشانه توانگری ماست نه ناتوانی ما.
- ❖ نابخردی و ارزشمندی آدمها بر وزن اندیشه ی آنهاست.
- ❖ اندیشیدن به پلیدی و نیکویی برتر از اندیشیدن به خوب و بد است چونکه اندازه در پلیدی و نیکویی، سنجیدن است و در خوب بد ویژگی است.
- ❖ اندازه ی بی خردی آدمها را از وابستگی به کارهاشون می شود دریافت.
- ❖ مهرورزی بی چون و چرا برای ساختن آدمهاست، نه برای تاختن بر آدمها.
- ❖ درجهان دو جور آدمی هست: ۱- هستند گرچه نیستند ۲- نیستند ولی هستند.
- ❖ هیچ پایبندی نیست که هرپایان تلخی سرآغاز شیرینی داشته باشد.
- ❖ اندازه بی خردی به دانایی این است که هرچه دانایی اندک باشد بی خردی گسترده تر.
- ❖ درراه دلدادگی هم با مغز راه برو نه با پا.
- ❖ چونکه یکی را بدست آوردیم تلاش کنیم خودمان را از دست ندهیم.



- ❖ ارزشمند ندیدن نفهمیدن نیست، چه بسا نفهمیدن بی ارزش بودن باشد.
- ❖ با دید نادرست، نادرستی دید همدیگر نشویم.
- ❖ برخی داستان زندگی درازی دارند، ولی زندگی داستانی کوتاه دارند.
- ❖ از گورستانها می شود فهمید که اینجا خاموشی نیست وانگه فراموشیست.
- ❖ بدی گذشت زمان در زندگی این است که سخنان هم پیر می شوند.
- ❖ زندگی با دید باز، باز خود نادرستی دید است.
- ❖ داستان زندگیمان را در اندوه زندگی کوتاه نکنیم وانگه اندوه زندگی را در داستان زندگی کوتاه کنیم.
- ❖ بایسته آدمی گری، خوب بودن است.
- ❖ زندگی، رازی است گشوده.
- ❖ آدمی گری، پاسخگویی است.
- ❖ مهرورزی، داد و ستد برابر نیست.
- ❖ دلباختگی از سرنیاز، همانند فرومایگی است.
- ❖ برخی در پیداری دچار بختک می شوند.
- ❖ آزادی به چم رهایی از چشمداشت از آزادی است نه آزادی چشم براه بودن.
- ❖ پیمان بستن با گروه به نیرنگ نزدیک تراست تا با یک تن.
- ❖ شگفتا به چهره ها ! گاهی همدل نیستیم ولی همدردی می کنیم، گاهی همدردیم ولی همدلی نمی کنیم!

- ❖ من باوردیگران را پاس نمیدارم، چون انبوهی از باورها درست نیستند ولی برخی کارهای آدمها درنگ کردنی است.
- ❖ زندگی به چم یکدم پیش است، زنده بودن با زندگی کردن ناهمگون است چون زندگی در زمان وزنده بودن درجا است.
- ❖ آغاز ترس، نادانی است ولی ساده اندیشی به آن پایداری می بخشد.
- ❖ سوزاندن برخی کتابها انسان که پیداست چه بسا جفا به زیستگاه باشد، ولی سراسر مهربانی به جهان مردمی است.
- ❖ درداوری کردن دیگران کوشش کنیم داوری نباشیم که خود بزه ور ردیف آغازینش هستیم.
- ❖ هنگامی که می گوئیم آزادی رویه و بام دارد بدرستی میزان سنجش ما گستره اندیشه ی ماست.
- ❖ فراموش نکنیم نخست آدمی گری با ارزش است آنگاه نرولاسی، جدا از این بازمانده اش جانوری است.
- ❖ اگر کسی به چشم خودش بیگانه شد دیگر چم آشنا را نمیفهمد و در چشم دیگران نخواهد بود.
- ❖ گاهی مردن برخی از آدمها یکسان است با سوختن چندین کتاب نایاب.
- ❖ هنگامیکه بی دادگری خو گرفته شود بی شک بکار بستن دادگری نگاره می شود.
- ❖ چگونگی که آزمون نشده ترس ندارد، چیزی هم که آزموده شده ترس ندارد.

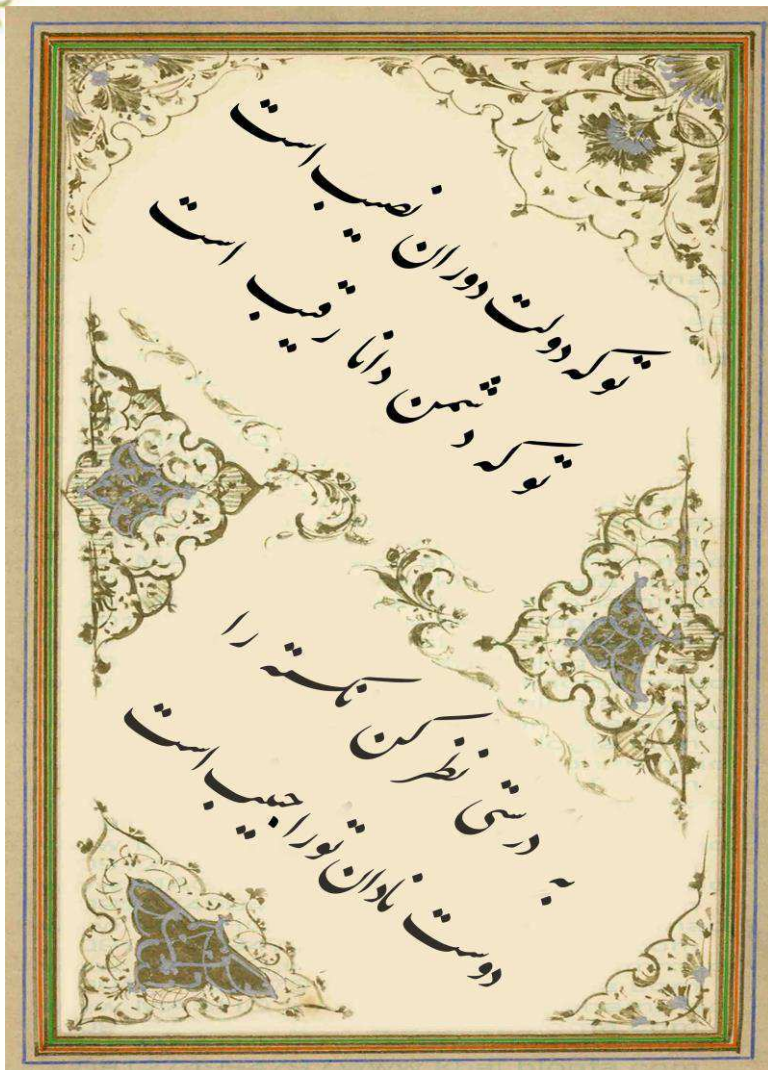
- ❖ پیمانی بسته نشده است هر که درختی کاشت خودش از سایه آن بهره برداری کند، با ارزش سایه ای است که ایجاد شده.
- ❖ زندگی چشم براه بودن نیست که من نگرانش باشم، زندگی پویاست و من هم انگیزه اش.
- ❖ زندگی آسان می شود اگر هیچگاه دروغ را راست نپنداریم و راست را هم بی گمان نپذیریم.
- ❖ در این جهان برخی از راه نان به باور میرسند و برخی هم از راه باور به نان.
- ❖ از خودگذشتگان جاویدان می شوند ولی نابودگران نیست شونده اند.
- ❖ میزان آزادکامی فرمانروایان با نادانی مردم پیوند آشکارا دارد و میزان آزادکامی مردم با زور فرمانروایان پیوند وارون دارد.
- ❖ زنان به اندازه ی ترس دروغینشان دلیری راستین دارند ولی مردان به اندازه ی دلیری دروغینشان ترس راستین دارند.
- ❖ اگر از دیر باز توانایی گزینش به ناگزیری گزینش دگرگون شود بایسته ی ناگزیری دگرگون می شود به فرجام توانایی.
- ❖ بزرگی و کوچکی آرمان به جایگاه و گوشه دید ما پیوند دارد.
- ❖ دلاوری در گام نخست را برداشتن است ولی کامیابی در گام دوم را درست گذاشتن است.
- ❖ آدم خردمند تنها یک دوره نابخردی از آدم نابخرد جلوتر است سرانجام هر چه تندترین دوره را پشت سر بگذاریم.



- ❖ بهین گزینی درخویش کنیم چون دو نما داریم: نمای نخست آنچه می دیدی می بودی، نمای دیگر آنچه می بودی دیدی.
- ❖ با آزمون آموختم که روی بازدریافت کننده است نه دست بسته ی تاخت و تازی و نه دست باز ایستادگی.
- ❖ سیاه یا سفید بودن خوب است چون چستی آزاد شایسته پشتیبانی را دارند ولی یکسان انگاری بدرد نخور و ترسناک است.
- ❖ از خوگرفتن بگریزیم نه به گریختن خوبگیریم.
- ❖ دلدادگی به چم گزینش نابودیست، ته مانده اش سهش های نابخردانه است.
- ❖ پنداره ی آزادی درهمبودگاه زمانی ژرف دریافت می شود که زنان آن همبودگاه درتنگنا گذاشته شده باشند.
- ❖ گاهی همرنگ انبوه مردم بودن رسوائی اش بیشتر از نبودن با آنهاست.
- ❖ آزادی به چم آن چیزی را که می خواهیم بتوانیم است نه اینکه آن چیزی را که میتوانیم بخواهیم باشد.
- ❖ گروهی بودن همسان کودک بودن است.
- ❖ اگر برگزیدن گزینش است، گزینش نکردن هم گزینه است.
- ❖ یاوه ها برای خردمند زهراست ولی برای بی خرد پادزهر.
- ❖ کسبیکه از دین همچون بازدارنده پدافندی استفاده کرد بی گمان چیزی برای پدافند نداشته.
- ❖ هردروغی دردیرباز نزد نادان، راست سزاوار پشتیبانی نمود پیدا میکند.

- ❖ اگر از تاریکی بترسی، تنها دلخوش میشوی به روشنایی.
- ❖ چه بهتر بود که در بایستگی ها آدمی گری هم بایسته می شد.
- ❖ چه بسا جهان سمیره سر راست باشد، ولی بی گمان زندگی گرد است.
- ❖ تهیدستی بجزایمان، خرد را هم زدایش می کند.
- ❖ تا آنجا که پیداست اندوه هم با آگاهی از میان برداشته می شود.
- ❖ هیچ آسای دستنویسی جاودانی نیست.
- ❖ تکرار هر چیزی می شود گزینش چه بسا گمراهی.
- ❖ خوردن فریب هوش آسان تر از فریب چشم است.
- ❖ دانش جهان آراییی دروغ نیست چه بسا دروغوها جهان آراییی می کنند.
- ❖ تنها فرمانروایان دروغین می توانند دروغهای رک بگویند.
- ❖ کسیکه خودخواه در راستگویی باشد، پس سر آغاز دروغ و پایان راه است.
- ❖ توانایی هر آدمی به چارچوب هوشش بستگی دارد.
- ❖ برای همیشه نمی شود خرد آدمها را از دریافت درستی و راستی بسته نگه داشت.
- ❖ آدم راستین به چم خرد و منش است.
- ❖ اگر چیزی برای سنجش نباشد بی گمان ژرفای هوش کاهش میابد.
- ❖ تنها با فریاد راستینگی خاموشی نمایان می شود.
- ❖ زندگیمان را در زمان دیگران تباه نکنیم.
- ❖ تاریخ برای درک چگونگی اکنون است، نه چراغ راه آینده.

- ❖ داوری روشن پس از مرگ بیشتر است.
- ❖ راستگویی در کردار است نه درسخن آشکار.
- ❖ پدیدآوردن آدمی گری با پدیدآوردن آدم جدایی زیادی دارند.
- ❖ درگاه فراخورزندگی کنیم نه در جایگاه فراخور.
- ❖ انجام دادن کاردرست درزمان نادرست و کار نادرست درزمان درست هر دو کوتاهی است.
- ❖ چیزی را که با ترس بپذیریم بی گمان روزی بدون ترس رها می کنیم.
- ❖ هیچگاه ازچیزیکه خودمان گزینش نکردیم پشتیبانی نکنیم.
- ❖ سخت ترین جنگ، جنگ بین خرد و دل است.
- ❖ برای آدمهای ناتوان فردا همین امروز است که دیروز رخ داده است.
- ❖ دیوانه ی فزون خواهی نشانه ی فزون خواه دیوانه است.
- ❖ زبان زمان را ناپیدا و زمان زبان را کارآمد می کند.
- ❖ اگر نیک خویی ازجهان آراییی دور شود ته مانده اش نیرنگ بازی است.
- ❖ ابزارستم گاهی زور است و گاهی زر.
- ❖ دلیری به چم بی باکی دردگرگونی است.
- ❖ درد کوچک با آغازدرد بزرگترفراموش نمی شود.



- ❖ آسای بد اگر دستانت را ببندد، پاهایت را باز می گذارد و همچنین وارونه.
- ❖ گذشت زمان گاهی زندگانی به شمار می آید و گاهی رو به پیشرفت.
- ❖ نیکویی نیکوست است هر چند اگر ناسازگاری چون بد برای شناساندن نداشته باشد.
- ❖ هر زمان به وارون خواست درونی ام کاری را با انبوه مردم انجام دادم زمانی دیگر آگاه شدم آن کار از ریشه نادرست بود.
- ❖ فروزان دنبال درستی و راستی است ولی خود درستی و راستی نیست.
- ❖ چهل سال زندگانی، هشتاد سال کار آزمایی زندگی نیست، تنها زنده بودن است.
- ❖ هنگامی که سرما خوردم زمستان رو دشنام ندادم چون سستی از خودم بود.
- ❖ پرنده ای که زیاد در کابوک بوده آزادی برایش هراس انگیز است.
- ❖ شکست آغازگر پیروزی نیست، شکست شکست است و پیروزی هم پیروزی.
- ❖ نادانی ندانستن نیست، نمیخواهم بدانم است.
- ❖ آدمها تنها در مرگ بهره مساوی دارند.
- ❖ دروغ هر چه بزرگتر باشد باور پذیر تر است ولی ویرانگر تر.
- ❖ خردمندی هم با پژوهش اگر آبیاری نشود می خشکد.
- ❖ پندار را با خرد بسنجیم نه اینکه خرد را با پندار برابرسنجی کنیم.

- ❖ بزرگترین دوست و بزرگترین دشمن انسان هوش اوست.
- ❖ از هیچ چیز نمی ترسم بجز مردن آدمی گری در هستی ام.
- ❖ تنها برای آرام کردن آوای درونمان به دیگران یاری نرسانیم.
- ❖ آرمان بزرگ را با گامهای کوچک و آرمان کوچک را با گامهای بزرگ برداریم.
- ❖ هیچکس دشمنش را دوست ندارد پس هیچکس را زیاد دوست نداشته باش.
- ❖ خوارداشتن دیگران به چم برگزیدن جایگاه خودمان است.
- ❖ آینده فرزندانمان از گذشته پدرانمان جدا نیست.
- ❖ برای زندگی بهتر نادانیمان را با هوشمان سازش دهیم.
- ❖ ناتوانی به چم نمی خواهیم است نه نمی توانم.
- ❖ زندگی بدون تندخویی به چم باور را خودی و آدمی گری را همگانی کنیم.
- ❖ بی گمان جنگ های آینده، جنگ بین خردمندی و یاهو ها است.
- ❖ برای دانستگی باید هوش داشت و برای هوش هم باید خرد داشت.
- ❖ بینش که داشته باشی نیاز به داوری دیگران نداری.
- ❖ همه ی دروغ ها باورکردنی هستند هر چند برای یکدم.
- ❖ دور و نزدیکی آدمها به جداییها نیست، به اندیشه ها است.
- ❖ آدمکش راستین کسی است که لبخندی را بکشد.
- ❖ ارزش آدمها به اندیشه است نه به زیبایی زن نه به دارایی مرد.

❖ بازگو کردن درستی و راستی بی شک بیزاری ایجاد می کند هرچند گذرا.

❖ درپیکار زندگی سمیره پایان همیشه جابجا می شود.

❖ واژه ها همیشه بودند و هستند، چم ها را زبانها ساختند.

❖ نسک ترسناکترین دشمن و بهترین دوست آدمها است.

❖ مهرورزی زیاد، فراورده اش بیزاری است.

❖ هنگامی که خانه ویران است، هیچ چراغی به خانه روا نیست.

❖ برای شناخت خود، روزمان را با شبمان سنجش کنیم.

❖ آدم خردمند، آگاه است که نابخرد است تاکنون.

❖ آدمهای یاهو پذیر دل باختگی به بردگی گرفتن دارند.

❖ آدم کوچک در جای بزرگ و آدم بزرگ در جای کوچک هردو ویرانگرند.

❖ هر رفتن و آمدنی چندبار در اندیشه بوده که یک بار کار کردی شده.

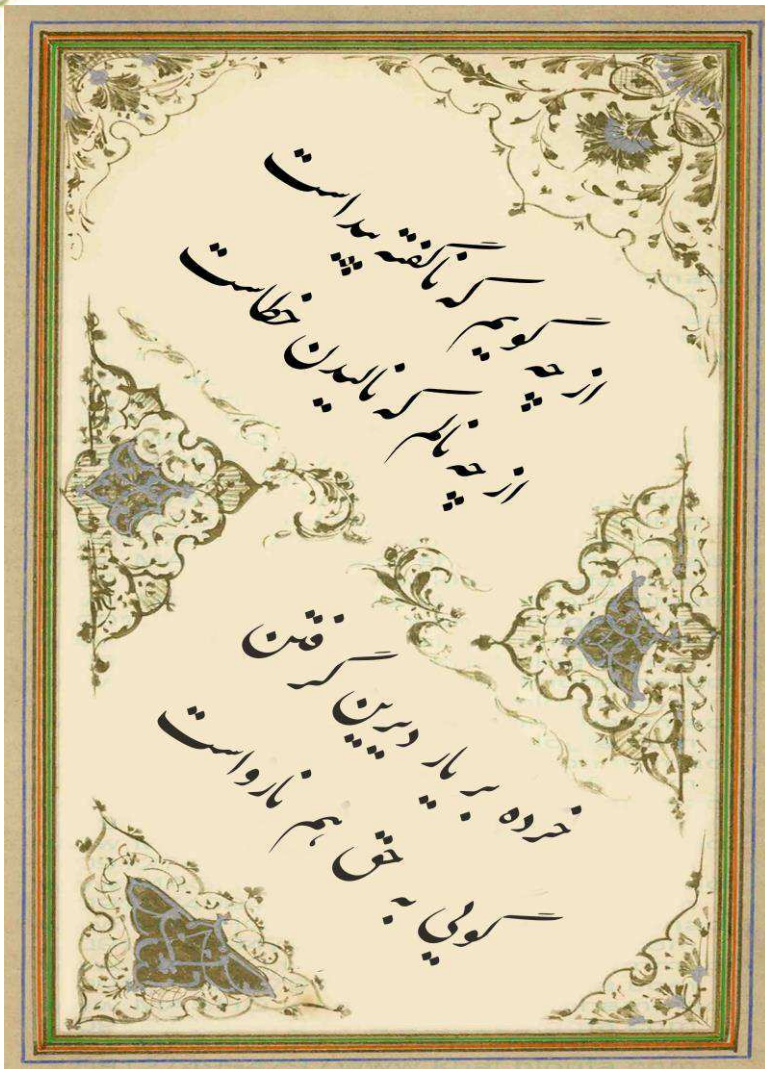
❖ هر دگرگونی سامان یافته ای نمی تواند دلخواه همگان باشد.

❖ زندگی بدون دل باختگی و دانش به چم مرگ است.

❖ برخی را نباید شناخت تنها باید ترک کرد.

❖ برخی رفتن و آمدنشان و برخی آمدن و رفتنشان همزمان در زندگی ما آغاز می شود.

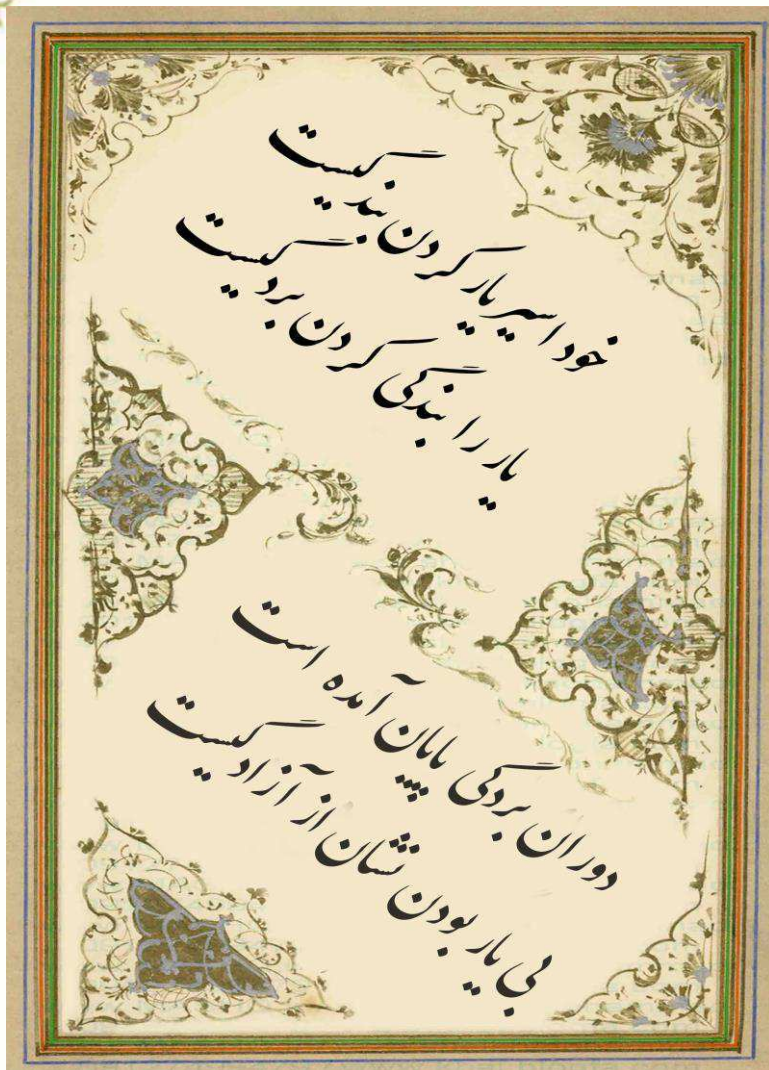
❖ گاهی برای زندگی بهتر باید یک گوش و یک چشم خود را بسته نگه داشت.



- ❖ آدمها دو چهره دارند، یک نگاره نزد ما و یک نگاره از خودشان پیش خودشان.
- ❖ چگونگی را در اندیشه ها دگرگون کنیم، اندازه در دیدگان ایجاد می شود.
- ❖ تنگنای اندیشه دیگران، مرز زندگی من نیست.
- ❖ سازندگی به چم بایستگی در آموزش و گزینش در پرورش است.
- ❖ اگر زندگی ویژه ای را گزینش نکنیم، زندگی ما را برگزیده گزینش نمی کند.
- ❖ اگر اندیشه هایت با گفتارت و گفتارت با کردارت یکی شد آنگاه آدمی.
- ❖ تا آزاد اندیشه نکنیم آزاد زندگی نخواهیم کرد.
- ❖ زندگی خوب به چم بشناسیم آنچه داریم نه بشماریم آنچه می شناسیم.
- ❖ پایان هر روز می تواند پایان جهان هر آدمی باشد.
- ❖ زندگی تهی بی آرش به چم مرگ با چشم باز است.
- ❖ نیاز به دریافته شدن داشته باشیم نه به دیده شدن.
- ❖ همانگونه که می توانیم زیبایی را دریافت کنیم، می توانیم جدا از رفتار را هم درست انگاری کنیم.
- ❖ بی دانش تهی مغز ترسش کمتر از با دانش بی خرد است.
- ❖ بهترین آهنگ جهان هستی، خنده کودک است.
- ❖ دیروز را ارج می نهم، در امروز زندگی می کنم و به فردا امیدوارم.
- ❖ نیک بخت شدن، تنها رنج نبردن نیست و نکه رنج ندادن هم هست.

- ❖ کوچک بودن جا برای بزرگ شدن دارد ولی بزرگ بودن همیشه بزرگ ماندن نداده.
- ❖ برای ماندن، جداییها را به فراخور دل ساماندهی کنیم نه فراخورگز.
- ❖ راستینگی، نماد درستی و راستی است ولی درستی و راستی زیرساخت راستینگی است.
- ❖ خود فریبی از نادانی آدم است ولی خود باوری از آگاهی آدم است.
- ❖ آدمها برای یادگیری گاهی بجزاندیشیدن به پنداشت هم نیاز دارند.
- ❖ شایستگی را ما می آفرینیم و به آن پنداره می دهیم.
- ❖ آرایش بیرون دیدنیست ولی آرایش درون شنیدنیست.
- ❖ برای شناخت من، باید شناخت من را هم شناخت.
- ❖ سکوت ترسناک، سکوتی است که از دلواپس نبودن باشد.
- ❖ ترس، دشمن هوشمندی است.
- ❖ آدم زنده به چم دلاوری هوش و دلیری گفتگو.
- ❖ با مهرورزی جهان کوچک می شود و دل بزرگ.
- ❖ زندگی راستین به چم راستینگی را بپذیریم و به راستینه باور داشته باشیم.
- ❖ درتاریخ پیوند های پنداری ماندگارتر از پیوند های خونی آگاشته شده.
- ❖ نه از رفتنها اندوهگین باش نه از آمدنها شادمان چون زندگی گرد است.
- ❖ هوده هرکسی را به ناگزیر باید پاسداشت نه به گفتار.

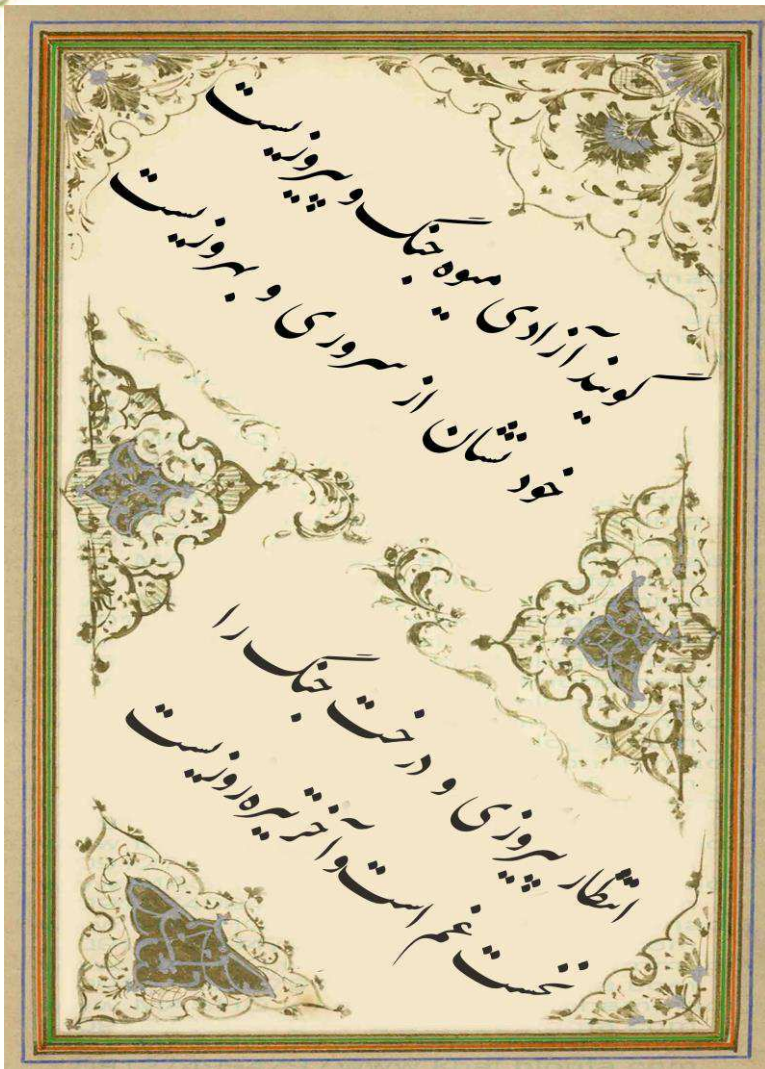
- ❖ بیدادگری به چم شماری ستمدیده، نگهبان پاسخگو و شماری پاسخخورد برابر ستمدیده.
- ❖ برخودمان چیره شویم تا دیگران برما چیره نشدند.
- ❖ آرامش بیرون پیش از آرامش درون پنداری بیش نیست.
- ❖ سرانجام دردآوری کردنشان خوبیهایمان را از یاد میبرند و بدیهایمان را دوباره گویی می کنند.
- ❖ زین پس دروغ چوپان هم ناپیدا شده چون گرگها رام شدن و سگها سرکش.
- ❖ ترس از دشمن راستگو کمتر از دوست دورو است.
- ❖ کوتاه بگویم سرنوشت به چم اندیشه است.
- ❖ یادمان باشد درستی و راستی سوای ازدیدگاه من و تو همیشه هست
- ❖ برای بازداشتن از واهشتن هر کاری گمان را سودمند نپنداشتم.
- ❖ با چشم سر، سربینی و با چشم دل، دل.
- ❖ نیک بختی در ندارد که دنبال کلیدش بگردیم.
- ❖ جای ما هیچ جا خالی نیست، جای ما همان جائیست که خود خواستیم و هستیم.
- ❖ چه با خوشنودی دم فروبندیم چه به خاموشی خوشنود باشیم، درد تنها با فریاد شناخته میشود.



- ❖ زندگی به چم اندیشه است، هر سال نو، اندیشه ی نو.
- ❖ گوش شنوا، آوای اندیشه آدمهای آرام را بلند می شنود.
- ❖ آدمها آنچه در اندیشه ات هستند، نیستند.
- ❖ نیرومندترین نیروی پایدار پس از خرد درآمد نابخردی است.
- ❖ همیشه راستی و درستی با کسیکه زورمند است و خوب سخن می گوید نیست.
- ❖ از آدمهایی که خودشان راسنجش نمی کنند باید ترسید.
- ❖ داشته ها و نداشته ها براینده خواسته هاست و نخواستہ ها هم براینده ندانسته هاست.
- ❖ برای نگهداری از هرسامانی نباید نوآفرینی را نادیده گرفت.
- ❖ همیشه چیزهای خوب جاهایی بودند که بسیاری جستجو کردن ولی بکارنبردن.
- ❖ تا زمانی که بزرگسالی را نشناختیم از کودکی بیرون نیاییم.
- ❖ کاری که در زمان زندگانی کارایی نداشت، در زمان مرگ هم نخواهد داشت.
- ❖ هیچ چیز بر سرشت و خوی نیک برتری ندارد.
- ❖ سهش ها با خرد آدمها همکاری دارند نه پیکار.
- ❖ توانگری فرمانروا بستگی به بی خردی توده دارد.
- ❖ اگر سرنوشت به اندیشیدن باشد، راه نرفته را سخت و فردای نیامده را بخت نپنداریم.

- ❖ شاید بیدادمندی باشد ولی همیشه نخستین ها و واپسین ها دیده می شوند.
- ❖ چشمهای هوش به خواب نیاز ندارند پس همیشه باز نگهداریم.
- ❖ خودستایی پنهان در چارچوب فروتنی، همان دو رویی است.
- ❖ بزرگترین یافته هر آدمی، پی بردن از گماردگیش بر روی زمین است.
- ❖ داشتن توانایی بازسازی، کار سختی است ولی توانایی سنجش سخت تراست.
- ❖ تنها زندانی که کلیدش دست خودمان است ، زندان اندیشه است.
- ❖ دانش، گنجایش دانایی نیست، دریافت نادانی است.
- ❖ با کنار گذاشتن خرد سنجش گر، جشن دیگران سوگواری ما می شود.
- ❖ نام و نشانمان را از باورهایمان جدا کنیم تا دگرگونی را دریافت کنیم.
- ❖ نسک زندگی را باید با چند سان خواند، نه چند بار.
- ❖ هوش بسته شده، اندیشه گندیده پدید می آورد.
- ❖ خودسالاری پنداری به چم در برابر پایبندانی اندیشه دیگران، پشتیبان اندیشه خود باشیم.
- ❖ نگهبان اندیشه هم باید آزاده باشد.
- ❖ برای نگهداری جایگاه خوب در اندیشه دیگران نباید پافشاری بیخردانه داشت.
- ❖ جای شوربختی دارد که درنمای امروزین بیدارولی در درون روزگار سنگ خوابیده.

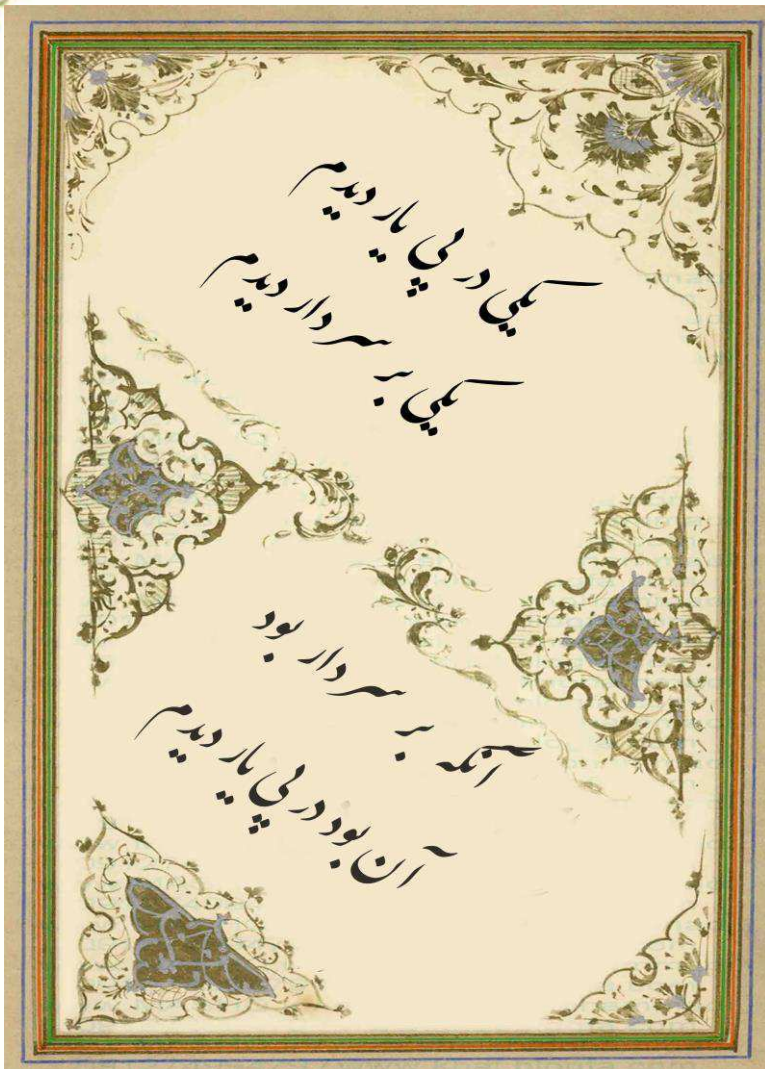
- ❖ یگانه شدن، تک زیستن و تک بودن نیست، تنها فراموش نکردن است.
- ❖ همیشه کوشش کردم چاله های درون هوشم را با یاهو ها پرکنم.
- ❖ شاید آرامش من با هماوایی با تو باشد ولی رشد من با نپذیرفتن هر چیزی از تو بدست می آید.
- ❖ اگر روزی باورم با کینه ام یکی شد شرمنده آدمی گری ام.
- ❖ چه بسا شمار بیشتری با مردم باشند ولی بیشینه چرایی سزاواری نیست.
- ❖ دانه پیراسته نشده سازش و برابری ، میوه ای خواهد داد بنام جفا و نابرابری.
- ❖ جهاندار خوب، کسی است که درخواست بازنشستگی زود هنگام کند.
- ❖ چون تنها زندگانی بدون بازپرداخت است پس تنها پیش آمد زندگی را از دست ندهیم.
- ❖ نادانی من، دوزخ سوزنده را می سازد.
- ❖ بدانیم تنها چیزی که پایان ندارد دانستن است.
- ❖ آشکارا همه آدم هستیم ولی درنهان آدم بودن سخت است.
- ❖ چه بسا آرمان نهایی دلدادگی یکی شدن باشد.
- ❖ اگر درست دریافته شود زندگی می تواند جشن باشد.
- ❖ خوشبختی راه است نه آرمان.
- ❖ بهترین سان دگرگونی درونی سنجش خویش است.
- ❖ برای درآمدن به هرجایی هم خرد هم سهش را با خود ببریم.



- ❖ تنها چیزی که نمی شود به کسی پیشکش کرد، آزادی است.
- ❖ اگر تنها برای خودت می خواهی زندگی کنی، پنهانی زندگی کن.
- ❖ چه بسا آنچه دیگران گمان کردند بودم ولی هیچگاه آنچه خواستند نشدم.
- ❖ تنها با برپایی دادگری، پیوستگی هنجارهای رفتاری نیکو فراگیر می شود.
- ❖ نخستین نشانه آزادی این است که با مغز خودمان اندیشه کنیم.
- ❖ ارزیابی اندیشه های همگانی روش خوبی است ولی در زمانی کوتاه.
- ❖ ما تنها کدیور دل خودمان هستیم ، دیگر هیچ.
- ❖ گاهی از خودمان هم پوزش بخواهیم.
- ❖ تنها خبری که دروغ نیست، خبر مرگ است.
- ❖ فریب از درون باور به بیرون می آید.
- ❖ درستی و راستی همیشه بوده و هست تنها باید هویدا شوند.
- ❖ با ناهمراهان اندیشه هایم دشمنی نمی کنم چون برای اندیشه هایم چرایی دارم.
- ❖ بدانیم که هوشمان هم به گردگیری پیایی نیاز دارد.
- ❖ هر چه خواسته آدمها کرانمندتر باشد آزادیشان بیشتر است.
- ❖ هیچ کار جدای از منش، درست انگاشته نمی شود.
- ❖ پیوند فریب خوردن با باور کردن سراسر است هر چه باور پذیری بیشتر باشد فریب خوردن آسانتر است.
- ❖ آدم بودن در گروه ساده است ولی آدم ماندن در تنهایی سخت است.

- ❖ زمانی ما داشته هایمان را داریم و زمانی داشته هایمان ما را.
- ❖ نادانی به چم اندیشه نکنیم ولی انجام بدیم وبی خردی به چم انجام بدیم سپس اندیشه کنیم.
- ❖ درستی و راستی چیزست که هیچ چند و چون دیگری نمی شود برایش انگاشت.
- ❖ با چاره اندیشی سرنوشت همراه ماست نه پشت سر و نه جلو تر از ما.
- ❖ با بیخرد نباید دشمنی سخت کرد چون به پذیرش زودگذر نیاز دارد.
- ❖ شایسته است ناهمسانی آدم و جانور گاهی در بازکرد لغزشها باشد.
- ❖ هیچ رخدادی را برپایه باورمان گزاره نکنیم.
- ❖ کامیابی من می خواهم هاست نه بازگویی من می توانم ها.
- ❖ گستاخی و وارستگی خدادادی نیستند ونکه به دست آمده هستند.
- ❖ ارزش پیشکش، بزرگی دهنده و گیرنده آنرا نمایان میکند.
- ❖ هم رنگ مردم و هم رنگ من، نه تنها هم رنگ مردم.
- ❖ گمان به چم چیزی که با خرد ناسازگار باشد.
- ❖ سخت است که در گروه خودت باشی، ولی باش.
- ❖ سنگدل ها ترسو تر از دیگران هستند تنها دیرتر آشکار می شود.
- ❖ ناهمسانی لغزشهای دیگران با لغزشهای ما این است که ما تنها توانایی داریم درباره لغزشهای دیگران سخن بگوییم.
- ❖ همراه رفته ای را آزمون نکن چون راه دوری نخواهی رفت.
- ❖ اگر روشن بینانه به ناسازگاری بین خود و دیگران نگاه کنیم ناسازگاری نمی بینیم تنها دیدگاه ناهمگون است.

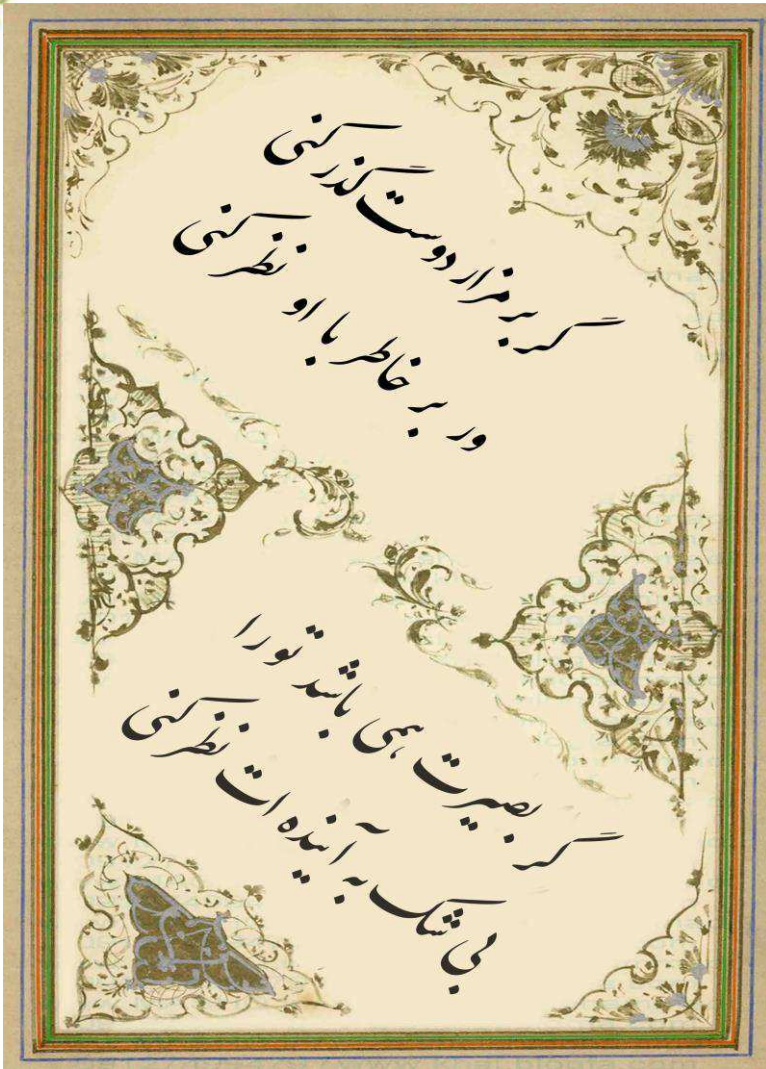
- ❖ بجای واری همدیگر، همکاری کنیم چون در همکاری مهار هم هست.
- ❖ این چرخه ردنکردنی است که کودک دیروز میانسال امروز وانگار که کودک فرداست پس دوراندیشی کنیم!
- ❖ چه بسا اشویی را تاریخ اشو ساخته است.
- ❖ هرآدمی می تواند بجای یک تن یک اندیشه باشد.
- ❖ گروهی که به خواب گمراهی گرفتار است فرهنگ تهیدستی را پرورش می دهد.
- ❖ زمانی که بکار برده می شود برای داوری دیگران، به زمان رسیدن به آرمان افزوده می شود.
- ❖ هنگامی به چیزی سهش داشتاری پیدا کردی به پیشینیان هم اندیشه کن.
- ❖ اگر زیاد به ناخوشی اندیشه کنید خوشی فراموش می شود.
- ❖ اگر مردم جهان یک دم اندیشه می کردند بسیاری فرمانروایی نمی کردند.
- ❖ اگر نبودیم و در نبودنمان دگرگونی پدید نیامد، همان بهتر که نباشیم.
- ❖ آزادی ولی زمانیکه بفهمی که ترس، پنداری بیش نیست.
- ❖ فراخ منشی همان اندیشه روشن نیست چه بسا کنش اندیشه روشن است.
- ❖ ریشه ی گمان دانستن، در رفتن رویه نادانی است.
- ❖ امید بی بنیاد به کسی دادن، همان دورویی است.



- ❖ در دام دیده با هوش می افتیم و در دام هوش با چشم.
- ❖ کلید زندان اندیشه، خواستن دگرگونی است.
- ❖ با دل اندیشه نکنیم و با چشم داوری نکنیم.
- ❖ ترسو نباشیم و چیزی بگوئیم که همه می دانند ولی نمی گویند.
- ❖ واژه های مرده نمی توانند واژه های زنده بسازند.
- ❖ هیچ رازی برایت آشکارا نمی شود بجز از رازارزشمندتر باشی.
- ❖ خیلی جاها گذاشتن فراموشم کنند، نگذاشتن خاموشم کند.
- ❖ نکوهش نادان کوچک شماری و نکوهش دانا ارج گذاری در پی دارد.
- ❖ چون پیش آمدن آرزو نشدنی نیست پس درگزینش آرزو باریک بین باشیم.
- ❖ تنها داور دلاور و بی سوویه، تاریخ است.
- ❖ تنها در بیکاری به دلدادگی اندیشه نکنیم.
- ❖ گاهی پشت سرمان را نگاه کنیم چه بسا چیزهایی را ببینیم که زندگیمان را ساده ترمی کند.
- ❖ فریاد آزادی خواهی بیرون از میهن کمتر از ناسپاسی نیست.
- ❖ در برابر بیدادگری دم فرو بردن، هوشمندی نیست.
- ❖ اگر در آگاه کردن کوشا نباشیم تاوان نفهمی دیگران رو هم باید بدیم.
- ❖ خاموشی بیجا از گیرایی آدم می کاهد.
- ❖ من چهل سال را یکبار زندگی کردم ولی برخی یک سال را چهل بار زندگی کردن.

- ❖ فرهنگ پاس نداشتن هوده زنهارا نمی توان جاودانی کرد چون فرگشت، نرولاسی نمی شناسد.
- ❖ برای پرواز دربی کران باید کرانه دید بی کران داشت.
- ❖ آینده آغاز شده وامید به آینده به چم کوشش است.
- ❖ زمان به چم اکنون و جا به چم همین جا پس زندگی به چم همین.
- ❖ هیچگونه بازدارنده ای با آرزو برگرفته نشده است.
- ❖ آموزش می بینیم و یاد می گیریم، گاهی با لغزش و گاهی با فریب خوردن.
- ❖ هیچکس با روش بد به فرجام نیک نخواهد رسید.
- ❖ سرشت آدمی زمانی خودسالاری پیدا می کند که بجای یاهو ازخرد استفاده شود.
- ❖ نخست ریشه گندیده گیاه را دربیاوریم آنگاه دانه گل را بکاریم.
- ❖ با یک دارو بیماریهای جدا از هم درمان نمی شوند.
- ❖ هیچگاه به بخت پایبندی نداشتیم چون بخت به چم هیچ چیز چرایی همه چیز است.
- ❖ دلباختگی یکجا بودنی می شود ولی بخش کردنی نمی شود.
- ❖ زندگی آرمانی پیدا کردنی نیست به راستی که باید آفریدش.
- ❖ برای چیرگی برهوش باید نخست بردل چیرگی پیدا کرد.
- ❖ هرباوری که خریدار و فروشنده دارد، کالاست نه باور.
- ❖ برخی از آفریده های والا پایه تاراجگر آبروی آفریده های دیگر شده اند.
- ❖ تلاش کنیم ندانسته شایسته چیزی نشویم.

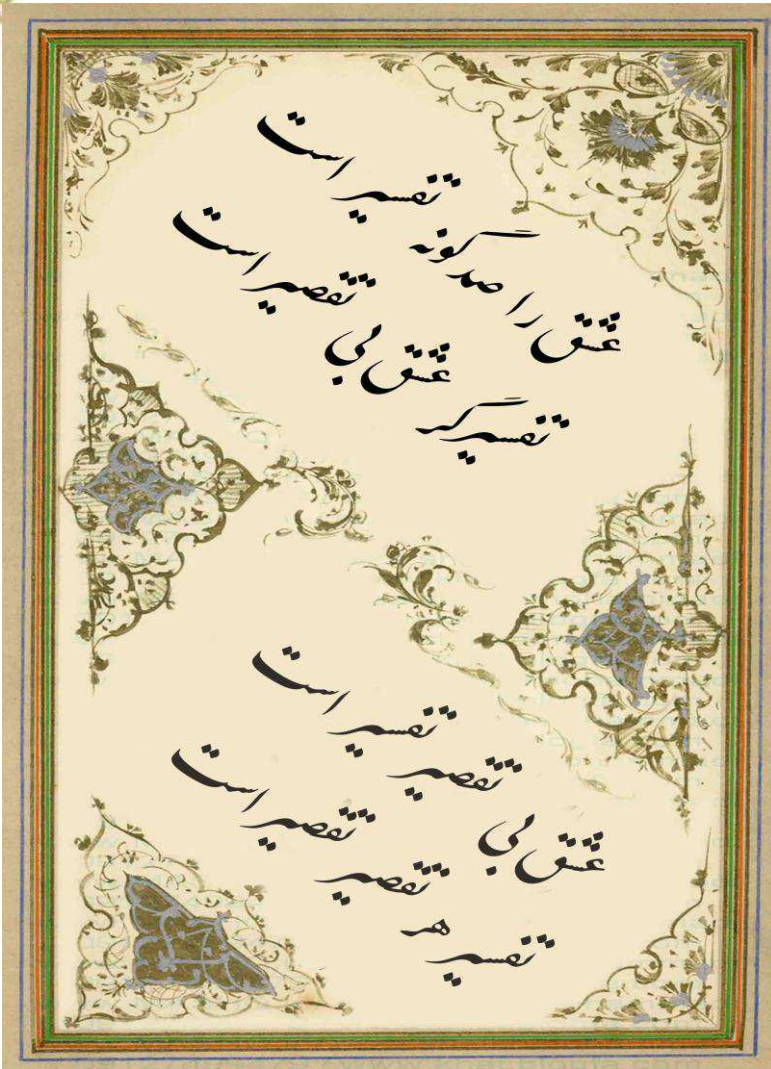
- ❖ هوش زن می تواند خورشید گیتی افروز باشد.
- ❖ بی خردی به چم ایستادن فراروی خرد دیگران است.
- ❖ دانایی بزه به شمار آورده می شود اگر فرمانروا نادان باشد.
- ❖ میزان پاسداشتن اگر به میزان دارایی باشد دشنام دادن پنهانی است.
- ❖ ستمدیدی از روی ترس، سزاواری را از ستمدیده می گیرد.
- ❖ پشیمان نمی شوی اگر یک بار به همه چیز برای دگرگونی درزندگی ات به دیده گمان نگاه کنی.
- ❖ اگر دوستت دارم را زیاد دردل نگه دارید مایه گندیدگی دل می شود.
- ❖ دوستی دردل است و دشمنی درسر.
- ❖ شادی آفریدنی است نه پیدا کردنی.
- ❖ اندیشیدن همانند باورداشتن نیست که با تهیدستی بلرزد.
- ❖ پیروز راستین کسی است که درپیکار با خودش پیروز شود.
- ❖ اگر نمی توانید دیدگاهتان را دگرگون کنید دست کم جابجا شوید.
- ❖ آدم پیشرفته هم گاهی برای برآورده کردن نیازهای بنیادی اش می تواند سرکش شود.
- ❖ پایان اندوه سرآغاز هوشیاری شاید نباشد ولی سرآغاز هوشیاری پایان اندوه خواهد بود.
- ❖ نسک می خوانم که خیلی چیزها را خودم آزمون نکنم.
- ❖ واژه آدمی گری میان واژه های توانمند و داشتاری ازمیان می رود.
- ❖ تا زمانی که خودت را نرھانی نمی توانی دیگران را برھانی.



- ❖ دل در نمی خواهد ولی مغز نگهبان هم می خواهد.
- ❖ پاسخ پرسشهای خودمان بدست خودمان سخت تراز پاسخ دیگران است.
- ❖ همه چیز در جدایی زیاد تیره و تار می شود هر چند دلدادگی باشد.
- ❖ بسیاری دنبال ما می آیند که پشت پا بزنند.
- ❖ اندیشه ی پاک دل پاک می سازد.
- ❖ کاردانش، پذیرش یا رد دستمایه است نه استواندن آن.
- ❖ از دشمن روبرو نترس گاهی از دوست پشت سرت بترس.
- ❖ در داوری کردن دیگران آشکارا پرهیزکار و در نهان اهریمن باشیم.
- ❖ شاید نتوان آدم مرده ای را زنده کرد ولی می توان مرده آدمی گری را زنده کرد.
- ❖ همیشه خودم را با گذشته خودم هم سنجی کردم.
- ❖ تاوان دانایی را برپاداش نادانی برتری می دهم.
- ❖ شمارگوسفندان که زیاد شود گرگها آغاز به زاییدن می کنند.
- ❖ آزاد که باشی می توان دلباخته شد و هنگامی که دلباخته شدی نمی توان آزاد شد.
- ❖ اندیشه آزادی از آزادی اندیشه نیست ولی آزادی اندیشه از اندیشه ای آزاد است.
- ❖ باید بیمناک بود از ترس خاموشی گزینشی و فریاد زوری .
- ❖ روزی خواهد رسید که هرکس تاوان نفهمی خودش را خودش بپردازد.
- ❖ اگر زندگیمان را گردانندگی نکنیم، زندگی ما را گردانش می کند.

- ❖ کهنگی جامه از کهنگی باور والاتر است.
- ❖ با دیگران هم خودمان باشیم.
- ❖ خرد به چم ندیدن بی خرد.
- ❖ زندگی با انگیزه به چم با آگاهی هم آرش پیدا کردن.
- ❖ همه آساها تار تارتنگ نیست برای نمونه آسای مرگ.
- ❖ جانستانمان را دلدادگی برگزینیم.
- ❖ بردگی زن برابراست با پستی مرد.
- ❖ بزرگی را بدانیم بهتراست تا اندازه را، چون اندازه را دیگران نمایان میکنند.
- ❖ اگر بجز پول چیز دیگری نداشتی بسیار تهیدستی.
- ❖ گروهی از مردم با آزاد دادن دیگران آنها را از نیازشون آگاه می کنند.
- ❖ همراه جهان باشیم نه هموارد جهان.
- ❖ ای دریغا گفتن، همیشه از سرپیشمانی نیست.
- ❖ به تاریخی باید بالید که پاسخگوی زمان اکنون باشد.
- ❖ درد زیاد آدمها را بی درد می کند.
- ❖ هنگامی رسوایی آسا شکنی بی آرش و ارجمندی فردید بدست آئین
- ❖ گذار از بین برود، تبه کاری و ناهمسانی بایسته می شود.
- ❖ آسا باید نشان دهنده خواست همگانی مردم باشد.
- ❖ هرگونه چاپلوسی نشان دهنده سرشت پلید است.
- ❖ بی خردی به چم دهان باز و هوش بسته است.

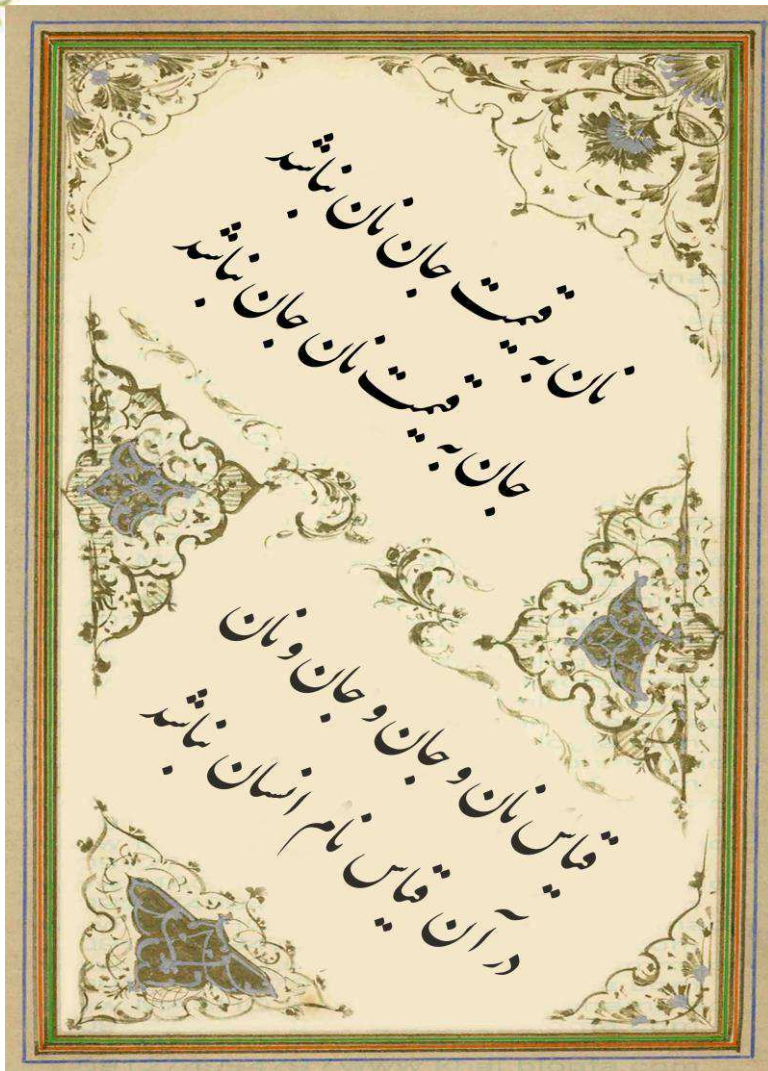
- ❖ آدمها دارای دوسرشت هستند گاهی نخستین را دوم و گاهی دومی را نخست نشان می دهند.
- ❖ خرد را دردل نگذاریم باشد که دل را درخرد بگذاریم.
- ❖ برای کامیابی روش را تغییر دهیم نه آرمان را.
- ❖ تو اندیشه کن تا دیگران بفهمند زنده ای.
- ❖ دروغ از نیاز بیرون است نه از آوای درون.
- ❖ دوستدارتان را ستایش کنید ولی ستایشگران را دوست نداشته باشید.
- ❖ ترسو ها تنها آوای بلندی دارند.
- ❖ رشک ورزی به چم نمی خواهیم خودم باشم است.
- ❖ پندار را می شود با دانش روشن سازی کرد ولی دانش را نمی شود با گمان بیان کرد.
- ❖ میهن پرستی به چم دلباختگی به سود مردم است نه به آبشخور مردم.
- ❖ جوش و خروش گروهی را در نزد سودجویان کشوردار نمایان نکنیم.
- ❖ درهمبودگاهی که سرپرستانش پندار دانستن پاسخ همه پرسش ها را داشته باشند، اندیشه بی ارج است.
- ❖ میوه کارآزمایی را پیش از گندیده شدن بچینیم.
- ❖ خوگرفتن مایه زندانی شدن اندیشه می شود.
- ❖ درآینده کارهای ما داور می شوند نه نیاکان ما.
- ❖ برای پیراستن رویدادهای جهان راستینگی را پیشمرگ یادبودها نکنیم.



- ❖ مردم فریبی به چم نداشتن پذیرشنامه از سوی مردم و ارجمند نبودن است.
- ❖ شایدی مهارکردار هست ولی شایدی مهاراندیشه کردن ناشدنی است.
- ❖ هنگامی که هوش کران مند شد چشم ها نابینا و گوش ها ناشنوا می شوند.
- ❖ آن چیزی که با خرد همخوانی نداشته باشد، پنداشتی بیش نیست.
- ❖ آرامش درون را پیشمرگ آسایش بیرون نکنیم.
- ❖ با دلدادگی دریافت نیاز کنیم نه با برداشت نیازدلباختگی کنیم.
- ❖ برای هوشیاری، گذشته دلگیرکننده ام را فراموش می کنم.
- ❖ برای جهان نخستین شدن، نخست جهانی شدن را یاد بگیریم.
- ❖ برای انگیزه دادن باید دگرگونی جایگاه داد.
- ❖ درراه کامیابی، دگرگونیهای چونی کوچک به دگرگونیهای کمی بزرگ دگرگون می شوند.
- ❖ آموزشی که پرسش نداشته باشد بی گمان پرورش هم نخواهد داشت.
- ❖ خوشی دست اندازی درخوشی دیگران خواری است.
- ❖ خودت را بشناسی دیگران شناخته خواهند شد.
- ❖ یاهو ها تنها مغز های پوسیده را گرفتار می کند.
- ❖ فرهنگ شناخت دیگران با شناخت فرهنگ دیگران پدید می آید.
- ❖ زندگی بایسته است نوشته شود بجای اینکه خوانده شود چونکه سرانجام خوانده می شود.
- ❖ اندیشه ناهمگون به چم آدم دیگرگون است نه دشمن.

- ❖ درپیشکاری زندگی باشیم نه سرشت مرگ.
- ❖ با مغز، دل را آگاه و با دل، مغز را آرام کنیم.
- ❖ چون باور به نانم داشتم هیچگاه نان باورم را نخوردم.
- ❖ بی گمان ساختن روز دست ما نیست ولی ساختن روزگار دست ما هست.
- ❖ همبودگاهی که مردانش کوچک باشند، زنانش خوارداشت می شوند.
- ❖ پوزش خواستن پیش از شکسته شدن باور سودمند است.
- ❖ به آدمها مهربانی کن ولی به گستره دید آدم رو به رو .
- ❖ فراموشکاری کوتاهترین بیمارست که بلندترین پیامد را دارد.
- ❖ تا کلون خرد باز نشود، هیچ کلونی باز نخواهد شد.
- ❖ دوست را برگزینیم نه اینکه آزمون کنیم.
- ❖ انگیزه دلباخته بودن دردسترس بودن نباشد.
- ❖ یادمان باشد سد درسدی ها هم گذرا هستند.
- ❖ چون فرمانروایان به من اندیشه کرده اندپس من هم به اندیشه فرمانروایی هستم.
- ❖ سرشت به چم آنچه خودم فکر میکنم هستم و آبرو به چم آنچه دیگران فکر میکنند هستم.
- ❖ پشتکار به چم چرایی نخست است نه چگونگی سپس.
- ❖ بزرگترین بازدارنده اندیشیدن اندوهگین بودن است.
- ❖ ابزارهموندمان خردورزی باشد نه باور.

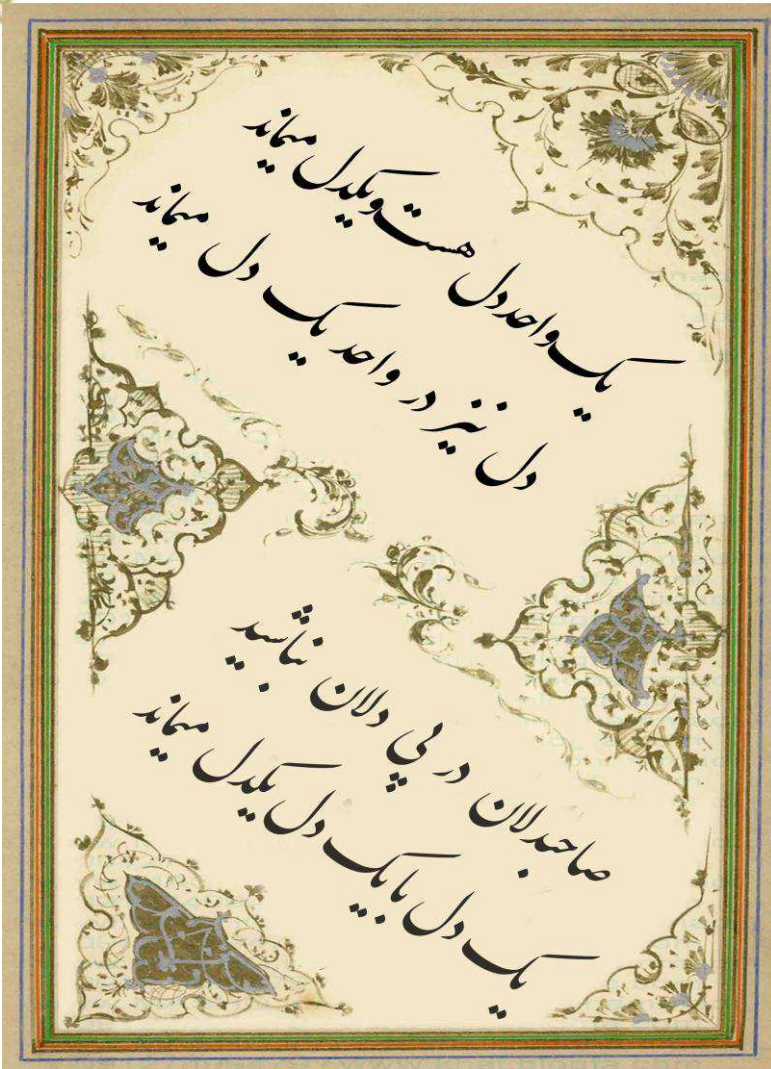
- ❖ خوگیری بیماری هراس انگیزی است که میل دگرگونی را کم می کند.
- ❖ پیوند زناشویی باید شیوه زندگی باشد نه سر نوشت.
- ❖ نفهمیدن آغاز است نه پایان.
- ❖ زن نادان به چم همبودگاه نادان ولی مرد دانا به چم همبودگاه توانا.
- ❖ نخست خاکسپاری باور کهنه سپس هویدا کردن درستی و راستی امروزین .
- ❖ یاوه ها راه دو دلی را می بندد.
- ❖ مانند آدم زندگی کردن به چم روشهای زیادی برای اندیشه کردن گزینش کنی.
- ❖ زندگی ازدلدادگی کوتاهتر است.
- ❖ رویای بزرگ درهوش کوچک پی ریزی نخواهد شد.
- ❖ اگر آموزگاردانا باشد به داوردادگرنیاز نیست.
- ❖ میزان همه چیز درستی و راستی باشد نه ما.
- ❖ اگر کندوکاو با اندیشه باریک بینی نباشد مغز تباه می شود.
- ❖ هرچه از فرمانرواها دور شوید زیباتر دیده می شوید.
- ❖ ناهمگنی است میان آدمها، بین نخست خرد سپس بانگ با نخست بانگ سپس خرد.
- ❖ شاید بهتر باشد بینوایان با زیاد خوردن به چگونگی توانگران پی ببرند تا توانگران با کم خوردن به چگونگی بینوایان پی ببرند.



- ❖ نمی خواهم آنسان که پیداست بی آزار یا ستمدیده نمود پیدا کنم چون آدم هستم.
- ❖ زندگانی را با سال و زندگی را با دم باید شمارش کرد.
- ❖ اگر خودت نباشی بی گمان دیگران هم نخواهی شد.
- ❖ چیزهای آشکاری را باید بپذیریم همچون زندگی خود خواسته و مرگ نا خواسته.
- ❖ سستی اندیشه مایه از کارافتادن هوش می شود.
- ❖ با هر شکست تنها بینش را جابجا نکنیم چینش را هم جایگزین کنیم.
- ❖ دنبال چرای خردمندانه باش نه باور بازگفتی.
- ❖ از آنهایی نباشیم که بترسیم گذشته مان را برای خودمان بازگو کنیم.
- ❖ برهوش آزاد اندیش نمی توان پادشاهی کرد.
- ❖ نادانی بیماری واگیرداری است.
- ❖ پرسش کنی نادان گذرا هستی ولی پرسش نکنی همواره نادانی.
- ❖ پشتیبانی از باورهای نادرست به چم دشمنی با نیک بختی.
- ❖ آموخته های سودمند تنها از نسک نیست ونکه از زندگی هم هست.
- ❖ هیچ چیز چرای همه چیز نمی شود.
- ❖ اگر خرد و آوای درونی در آدم ها پویا نباشد آدمی گری جایی نخواهد داشت.
- ❖ توانایی به چم با دلاوری گام برداشتن است.
- ❖ رنج را بشناسیم نه رنج پذیر باشیم.

- ❖ ترس از یاه و یاه ها از ترس پدید می آیند.
- ❖ زندگی زیبا دستاورد اندیشه ی زیباست.
- ❖ هنگامی که ارزشها نادرست شوند، نادرست ها با ارزش می شوند.
- ❖ دوست داشتن خردمندانه نباید تکان خوردنی باشد.
- ❖ کارسازی تن برهوش و هوش بر تن دوسویه است.
- ❖ با زایش به جهان می آیی و با دگرگونی بزرگ میشوی.
- ❖ نادان دشمن ندارد.
- ❖ بی آرمان که باشی ابزار آماج دیگران می شوی.
- ❖ آرنج درسخن و خرد در کردار نمایان می شود.
- ❖ دلدادگی بمیرد پیوندها نابود می شوند.
- ❖ از آدمی گری نیک نژادی پدید می آید.
- ❖ جایگاهت پشت گرمی ات نباشد چون جاویدان نیست.
- ❖ جهان تکرار نخواهد شد.
- ❖ مهرورزی که بزور باشد جفا است.
- ❖ اندیشه ی زوری سبک و ناپایدار است.
- ❖ برای رسیدن به خوبی از بدیها باید گذر کرد.
- ❖ آدمها را با گیرایشون بسنجیم نه دستکشون.
- ❖ زندگی ارزش دارد پس به ندانستنش خوشنود نباشیم.
- ❖ آگاه باشیم که هر چیزی با شستشو تمیز میشود بجز مغز.
- ❖ تکرار نادرستی ها، تاریخ را می سازد.

- ❖ نسک خوب اندیشه نیست ونکه ابزار اندیشیدن است پس هشیار به ابزارها باشیم.
- ❖ آزادی و سلامتی همانند هستند.
- ❖ هیچ باوری ابدی نیست.
- ❖ چیره شدن بر جهان آسانتر از چیره شدن بر خود است اگر از خود تهی و از دیگران پر نباشیم.
- ❖ آدم فرآراسته همه فروزه های خوب و بد است.
- ❖ کوتاهترین راه به باور رسیدن دودلی است.
- ❖ برای دگرگونی بزرگ کار کوچک انجام بده.
- ❖ با مرگ، شماری خاموش و شماری فراموش می شوند.
- ❖ آزادی، راهی است به سوی فرهیختگی.
- ❖ به زبان آوری کاستی به چم پویایی است.
- ❖ دلباختگی راستین به چم کار خردمندانه است.
- ❖ با خرد دلباخته شوید و با دل دنبال کنید.
- ❖ برای ساختن جهان باید جهانی را خراب کنی.
- ❖ در زمان درست زندگی کنیم تا در زمان درست بمیریم.
- ❖ اندیشیدن اگر از نادانی آغازو به تاریک اندیشی ختم شود هراس انگیز است.
- ❖ شناخت شدنی شناختی بازنمایی شده نیست ونکه شناختی است که گمان می رود درست باشد.
- ❖ برای من اندازه شایستگی خردمند بودن است.



❖ کسانی که راهبند آزادی اندیشه می شوند بی گمان به انگارگان خود باور ندارند.

❖ آدمی گری نرولاسی نمی شناسد.

❖ کوشش کنیم با آمدن انگیزاننده شادمانی شویم نه با رفتن.

❖ گفتاری که پسند مردمان باشد، استواری کمی در آن است.

❖ دانش اندوخته از رسته مردمان نیست.

❖ گزینش کرده پذیرش کن نه گزینش شده.

❖ کامیابی در بچنگ آوردن نیست در اندیشیدن است.

❖ ترس از دشمن راستگو کمتر از دوست دورو است.

❖ کارزیستگاه آسان کردن پیدایش درون ماست.

❖ شادمان باش ولی با هوشی پویا.

❖ یا ناموری یا آزادی.

❖ یک زندگانی میگذرد تا بزرگ شوی و با یک لغزش میشود کوچک شد.

❖ با روبرو شدن با چالش برین شویم نه فرو ریخته.

❖ برای داشتن همبودگاه دل آسوده باید آدم آسوده اندیشی بود.

❖ مردم از خودکامه ها می ترسند و خودکامه ها از آگاهی مردم.

❖ گاهی ما از زمان گذرمی کنیم و گاهی زمان از ما گذشت می کند.

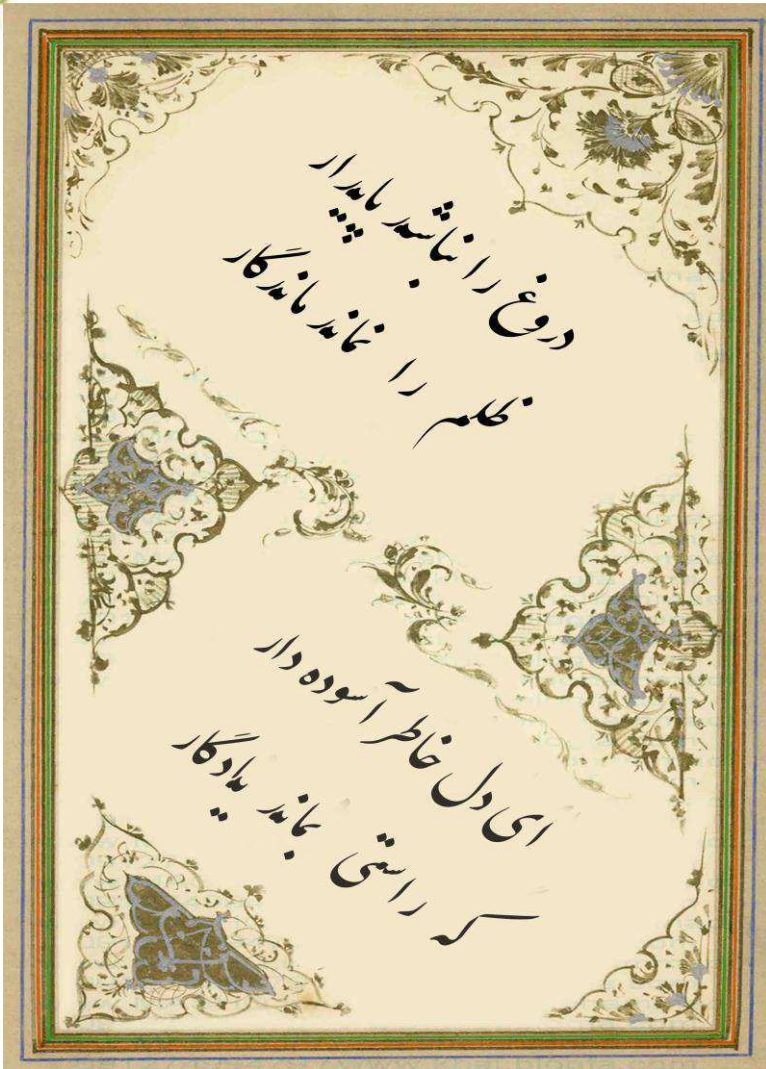
❖ کهنه های ریشه دار را برتازه های پرشاخ و برگ برتری میدهم.

❖ دلدادگی آسیب گاه نیست ونکه واژه نیرومندی است.

❖ اندیشه را باید اندیشه کرد نه پیروی کورکورانه.

- ❖ اکنون که ابزار زندگی را داریم آرش زندگی را پیدا کنیم.
- ❖ جایی که شادی و شادمانی نباشد مرگ زود هنگام زیاد است.
- ❖ دربی نیازی، دلدادگی توانائی است.
- ❖ بیم دادن ها پیش آمد خوب می شوند اگر نترسیم.
- ❖ پشتیبانی بی اندیشه، دستاورد اندیشه دیگران است هشیار باشیم.
- ❖ با دلباختگی همدم دیگران شویم نه با گفتار.
- ❖ بیداری بکاریم نه بیدادی، داشته های ما برآیند کاشته های ماست.
- ❖ دشمن من باورنادرست من است.
- ❖ آدمها تنها درتاریکی مانند هم هستند.
- ❖ خود خواهی به چم تو نمونه من باش.
- ❖ درتکرار، آفرینش گری نیست.
- ❖ بزرگی را هدیه نمی دهند و نکه بدست می آورند.
- ❖ شادی از درون است از بیرون ربوده نمی شود.
- ❖ یکسان انگاری به ستم به چم شریک ستمگر است.
- ❖ آسایش را بر پیوستن به انگیزه پیوستن، برتری نمی دهم.
- ❖ شیفته دشمن بودن، همیشگی نیست.
- ❖ هنگامی در اکنون زندگی کنیم مرگ بی آرش است.
- ❖ هیچ دروغی با تکرار، راستینه نخواهد شد.
- ❖ دلباختگی جابجایی است نه ناجدایی.
- ❖ خود را بهتر ببینیم تا اینکه بهتر خود را ببینیم.

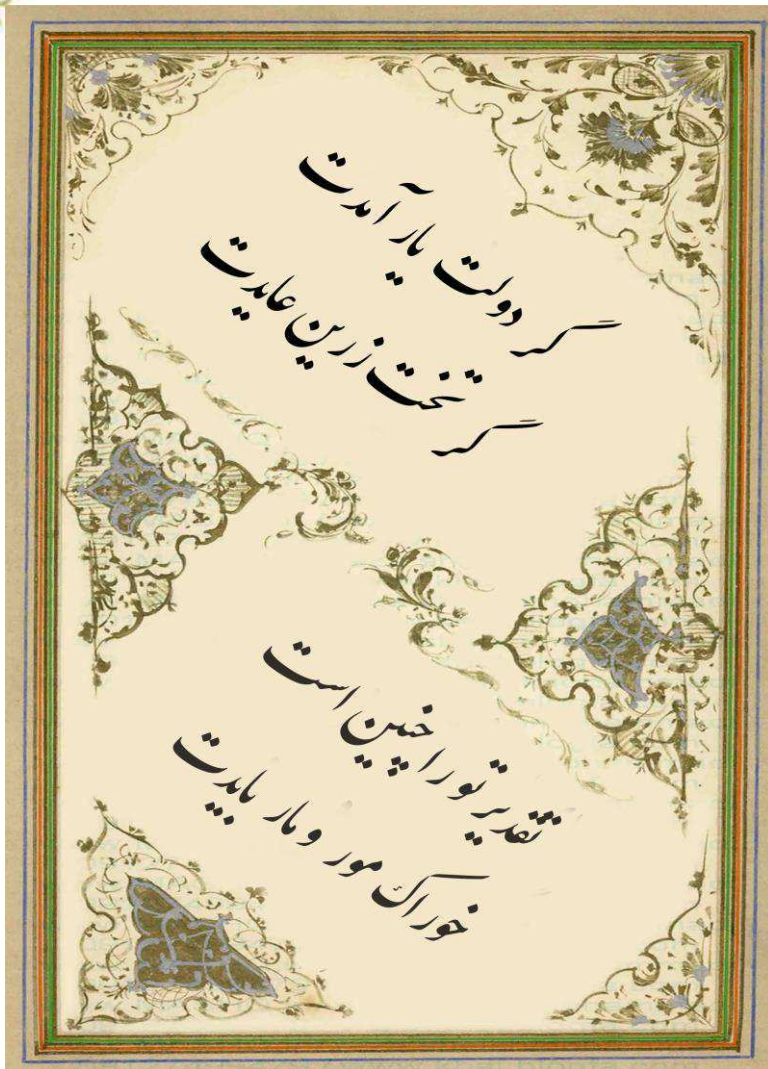
- ❖ آفرینش گری به چم بیرون از تنگناهای پنداری هم می شود اندیشه کرد.
- ❖ ندانستن بداست، بد دانستن بدتراست.
- ❖ هرزگی از اندیشه است سپس تن.
- ❖ تلاش کنیم مانند خودمان زندگی کنیم.
- ❖ زن به چم نیک نژادی است نه بردگی.
- ❖ از هوش دوستانمان بازگو کنیم نه از چهره شان.
- ❖ روشنایی با تاریکی دانسته می شود.
- ❖ جهان سوم جانیست که اندیشه نمیکنی و پرسشی هم پیش نمی آید.
- ❖ هیچگاه سرشت و هوش و نمای آدمها هماهنگ نیست.
- ❖ برای زندگی نوین باید آرزوی نوین داشت.
- ❖ تنها اندیشه آزاد می تواند از آزادی سخن بگوید.
- ❖ سخن بخردانه نیاز به پیچیده بازگو کردن ندارد.
- ❖ زمانی باید سخن گفت که توانایی سخن ازد م فرو بستن بیشتر باشد.
- ❖ رساترین بانگ، کردار است.
- ❖ هنگامی که کار ناپسند آزاد باشد، آزادی کار ناپسندی می شود.
- ❖ اگر هوش آشفته شد، زبان دروغ خواهد گفت.
- ❖ برای زندگی کارکنیم، نه برای کار زندگی کنیم.
- ❖ جهان تو نگاه تو و جهان من نگاه من است.
- ❖ هوش روشن زن به چم چراغ همبودگاه است.
- ❖ فراخواست بزرگ بیشتر به گمان نزدیک است.



- ❖ کانون نگرورزی همه مردم به آوای بلند است.
- ❖ نخست باید بردگی را شناخت سپس دنبال آزادی گشت.
- ❖ داور بی داد به چم ارزشهای ما میزان داور رفتار دیگران باشد.
- ❖ آزادی با گزینش، هم بدست می آید هم از میان میرود.
- ❖ از فردا خوشم نمی آید چون امروز را ندارم.
- ❖ آدم راستگو به سوگند نیاز ندارد.
- ❖ همه تنهایی و می توانیم در تنهایی هم شریک شویم.
- ❖ هر پرسشی را بپرسیم هر چند نابخردانه را.
- ❖ سودمند که باشی برجسته هم خواهی شد.
- ❖ تلاش کنیم خودمان باشیم تا دیگران هم خودشان باشند.
- ❖ هوش آدمها با برهاندن دگرگون می شود نه با زر و زور.
- ❖ زندگی پایدار است ولی تو دگرگون شو.
- ❖ هیچ جا خودی نباش، همیشه خودت باش.
- ❖ سخت ترین پرسش را از خودمان بپرسیم که من کی هستم؟
- ❖ گذشته را زنده کردن به چم آینده را مرده آگهی کردن است.
- ❖ هر چه به آدمها نزدیک ترمیشوم از خودم دور ترمیشوم.
- ❖ خوشی ها رو بخشش کنیم تا ناخوشی ها ما رو پاره پاره نکنند.
- ❖ اگر آسا نتواند تهیدستی را ریشه کن نکند بی شک تهیدستی آسا را می تواند.
- ❖ هر چه آینده گنگ تر باشد نگهداری ریشه ها کم تراست.
- ❖ برای چیزی بمیرید که برای آن زندگی می کنید.

- ❖ بزرگواری را نه می شود خرید نه می شود فروخت تنها باید ساخت.
- ❖ خودخواهی پیش درآمد گستاخی است.
- ❖ آدمها با اندیشه بزرگ می شوند نه با سال.
- ❖ مهربان بودن می تواند یک گزینش باشد.
- ❖ خودخواهی به چم تو بخواهی که دیگران بخواهند.
- ❖ گرمی داشته شدن بیخودی چاپلوس زیاد دارد.
- ❖ فراموشی به چم مرگ به آهستگی.
- ❖ باور را با خرد بپذیریم نه با شور.
- ❖ دانستن اندیشه آدمها را جایگزین شنیدن سخن آنها کنیم.
- ❖ آزمون می تواند کنارانديشه باشد نه جانشین و وارونه.
- ❖ بزرگترین گناه آدمها در نادانی ماندن است.
- ❖ خاموشی سودمند به چم دهن بسته و اندیشه باز.
- ❖ تنهایی آدمها از آنجاست که ترسو هستند.
- ❖ گوشه گیری برگزیدن نیست.
- ❖ هنگامی خودت را برای خودت باز نمایی کنی دگرگونی اش را در دیگران خواهی دید.
- ❖ پیوند زناشویی کامروا به چم ازپیش به آرزوهات رسیده باشی.
- ❖ کامیابی گروه به دست فرد دروغ است.
- ❖ آدمها ترسو زاده نمی شوند و نکه با آموزش ترسو ساخته می شوند.
- ❖ آرمان در اندیشه است نه دیده، تا اندیشمندی نباشد آرمانی نیست.

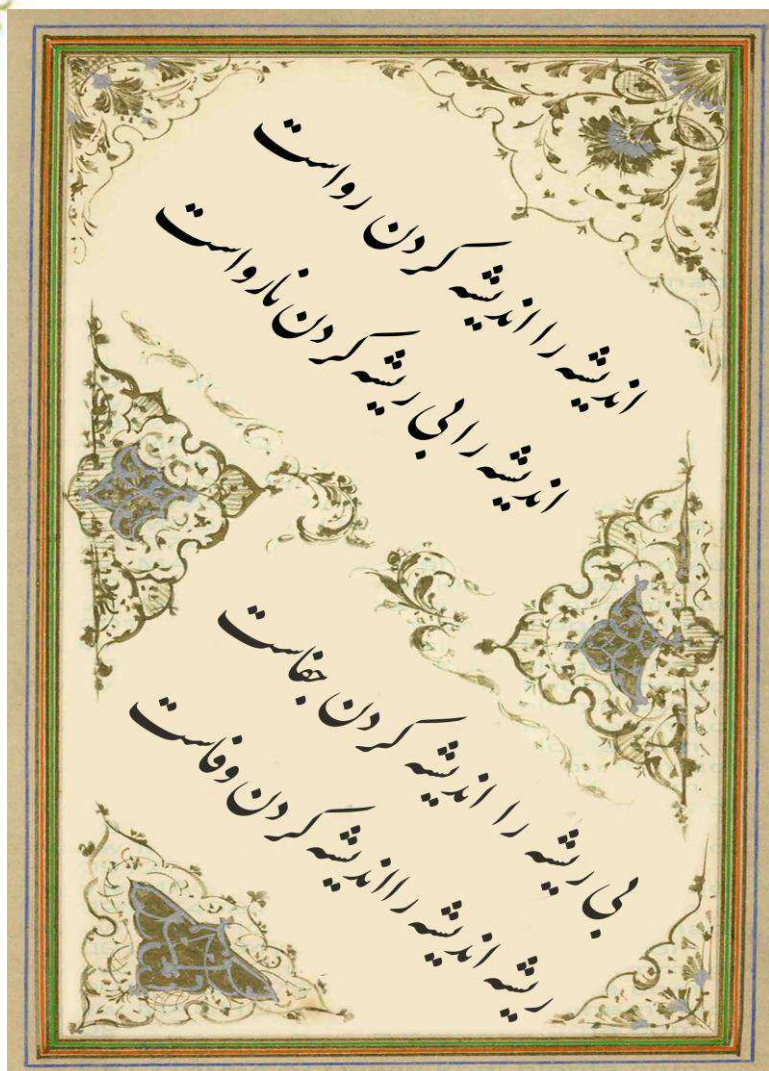
- ❖ دستاورد راستی و درستی با کمتری نیست می شود، بخش کمترین زود باور نیست.
- ❖ هشیار به خواسته هایمان باشیم چون هر آدمی برای خودش زندگی می کند.
- ❖ آرش زندگی نگاه من و دریافت من از زندگی است.
- ❖ روش پدافندی در برابر هوش و خرد به ناچاری شکست پذیر است.
- ❖ آغازه سنگدلی ترس است.
- ❖ برای برپایی آسودگی باید درستکار بود نه نیکخواه.
- ❖ مرگ، دگرگونی بیش نیست.
- ❖ پنداشت با اندیشیدن باید باشد نه جای اندیشیدن.
- ❖ داستان فردا از اندوه امروز ساخته می شود.
- ❖ نخست یارای بازسازی داشته باش سپس توان خرده گیری.
- ❖ دوستی به چم مهرورزی بدون چشمداشت.
- ❖ دشمن کسی است که خواسته یا ناخواسته به او بانگ جنگ کرده ایم.
- ❖ زندگی همین یکدم گذرا است.
- ❖ جهان کشورداری به چم سود است.
- ❖ برای گوسفندی باید افسوس خورد که پس از مرگش هم گرگ هم چوپان و هم سگ رمه او را ستایشش کنند.
- ❖ مرم سالاری راستین به چم روا بر فرمانروایی شمار بیشتری از مردم است که این شمار بیشتر هم بیشینه بادوام نباشد.
- ❖ بینوایی فرآورده اندیشیدن تهیدستانه است.



- ❖ چون یکی را پسندیدیم کمبودهایش را نیک نبینیم نکوهش کنیم نه ستایش.
- ❖ نام و نشان با برگزیدن ها پی ریزی می شود.
- ❖ برای شناخت باید هوش را از بند باورها و گرایشات گذشته پاک کرد.
- ❖ راه آزادی از دوستی و دلدادگی می گذرد.
- ❖ خیلی ها آدم هستند ولی برخی با نام آدم زندگی می کنند.
- ❖ زیبایی سنجه شناخته شده ای ندارد بی چون و چرا ویری و کما بیش است.
- ❖ دلدادگی ساختنی است نه یافتنی.
- ❖ گزینش درست به چم خردورزی با سهش است.
- ❖ کار فراخویی آدمها زیردرآیش زمان و جا است.
- ❖ چیزیکه نبودنش سهش نمی شود نمی تواند زیان داشته باشد.
- ❖ هنگامی که خانه ات ویران است نمی توانی خانه همسایه ات را آباد کنی.
- ❖ گاهی همبودگاه به هنرمند بیش ازمهندزنیاز دارد.
- ❖ هنرمندراستین کسی است که ندیدنیهای همبودگاهش چه خوب و چه بدرا دیدنی کند.
- ❖ هرسختی را با همیاری می توان تاب آورد بجز دلتنگی.
- ❖ نادانی از روی آگاهی هراس انگیزتراز نادانی تودگانه است.
- ❖ هرآنچه مال تو باشد درون تو هست.
- ❖ ریشه ی فرهنگ درست دراندیشه ی بینشورانه است.

- ❖ دلبستگی به دانستن از گمان انگیزی پدید می آید.
- ❖ زندگیمان را بر پایه نگاه کسانی که نمی بینیم ساماندهی نکنیم.
- ❖ اگر زمان آدمها را دگرگون کرد ماهم نگاهمان را به آنها پابرجا نگه نداریم.
- ❖ سرنوشت به چم چاره داری زندگیت دست خودت نیست می باشد.
- ❖ ریشه جهل و فساد، در ساده اندیشی و خوش باوری است.
- ❖ سهش ها گاهی با دارایی دگرگون می شوند.
- ❖ میزان آدمی گری کردار است نه باور.
- ❖ کسبیکه فریادت را نداند خاموشی ات را نخواهد دانست.
- ❖ باورهای ناهمگون مایه جدایی آدمهای با خرد نمی شوند.
- ❖ کامیابی یا شکست تنها یک پیشامد بشمار می آید.
- ❖ با کوچک شمردن بزرگان هیچگاه بزرگ نخواهیم شد.
- ❖ ما برای رنج کشیدن آفریده نشدیم و نکه رنج را بازشناسیم تا شادی کنیم.
- ❖ گاهی ریشه اندوه ارزشمند دانستن داوری دیگران است.
- ❖ دریافتن چیزی که در ما نیست درد دیگری شدنی نیست.
- ❖ آدمهای نیرومند مهربان و آدمهای ناتوان مهرخواه هستند.
- ❖ رویا تنها با دانش به راستینگی دگرگون می شود.
- ❖ در این جهان هیچ پیش آمدی دوبار تکرار نخواهد شد.
- ❖ آماجگاه زندگی درازای راه است نه انتهای راه.
- ❖ درستی و راستی پشت دستاویز هاست.

- ❖ بهترین راه شاد زیستن فراموشکاریست.
- ❖ زندگانی تا تو بخواهی زیباست.
- ❖ والاترین خواسته ی توده درنادانی است.
- ❖ خردمندی درتوده، خردمندی گذران زندگی است.
- ❖ زندگی آینه رفتار توست.
- ❖ همه ی بدشناسی ها از گونه سخن آشکار است.
- ❖ بسته به هم با سهش باشیم نه زود رنج.
- ❖ زندگی زیبا می شود اگر زیبایی را درچشمانمان رایج کنیم.
- ❖ هرآنچه می شنویم همان نیست که گفته شده است.
- ❖ با زندگی با آوای بلند زندگی دیگران را خراب نکنیم.
- ❖ آدم آزاد شایسته است نه ناچار، پاسخگوست نه کارگزار، واکلوی می کند نه تاب آوری.
- ❖ نگران فردا نباش شاید شب دور و دراز باشد.
- ❖ یادمان باشد آدمها توانایی هر کاری را دارند.
- ❖ زندگی یکدم است نه روز است و نه سال.
- ❖ درپیدا کردن راستینگی گرایش ها جایگاهی ندارند چون راستینگی بدون گرایشات هستند.
- ❖ دگرگون شدن وفرگشت، بایسته و پیش نیاز یکدیگر نیستند.
- ❖ گاهی تنهایی به چم بیش از دیگران بدانی است.
- ❖ مستمندی خوگیری می آورد نه توانگری و پایداری.
- ❖ بهروزی دربزرگ منشی است.



- ❖ آگاهی از کارهای نادرست بدست می آید.
- ❖ یارا زندگی کنیم تا با شگفتی نمیریم.
- ❖ باهم زندگی کنیم، نه باهم بمیریم.
- ❖ زمانی بزرگ شده ایم که دشواریها کوچک شده اند.
- ❖ درستی و راستی هراندیشه ای نکته ی ناآشکار آن اندیشه است.
- ❖ زندگانی زور کوتاه و زندگانی توانگری بلند چون زور ازسستی است و توانگری از توانایی.
- ❖ تا ندانی بی گمان نمی توانی.
- ❖ ریشه نبود خوشنودی آدمها نشناختن سرشت ادمی است.
- ❖ زنها می توانند مهربانی را به میل، گرایش را به دلدادگی و دلباختگی را به برهانیدن دگرگون کنند.
- ❖ زندگی با خرد رود است و بی خرد مرداب.
- ❖ تلاش کن پرواز انگیزه ات باشد نه پرتاب.
- ❖ چگونگی زندگی را باورهای ما آرایه می کنند.
- ❖ فراموش نکنیم که تنها دل خودمان برای ما می تپد.
- ❖ جوانمردی نرولاسی نمی شناسد چون سرشت است نه کیستی و چیستی..
- ❖ نبود میانه روی سرآغاز ستم و ستمگری است.
- ❖ مینویی بودن که چون نداشتن آزادی درجهان بیرون بدست بیاید جایگاه یگانه آزاد ندارد.
- ❖ نابینا باشی بهتر از بینش کور داشته باشی.

- ❖ ناهمگون دوست داشته باشیم نه ناهمگون ها را.
- ❖ آدمها دوگروه هستند، شماری زورآور و شماری زورمند.
- ❖ سخن توده یکی است، گسترانیدن فرهنگ نادرست و ایستادگی در برابر دگرگونی.
- ❖ هرچه چنبره فرمان روایی کوچکتر باشد گستره آزادی گسترده تر.
- ❖ اگر پیمان این است که زمین بخوریم در فرهیختگی باشد نه در فروپاشی.
- ❖ نادانی هراس انگیز به چم داده های نادرست را درست پنداشتن است.
- ❖ درستی و راستی افریده نمی شود و نکه هویدا می شود.
- ❖ فرهنگ درست و شاید نابکار همبودگاه، سرشت را می سازد.
- ❖ آدم خردمند خودش را و بی خرد دیگران را گوشه نشین می کند.
- ❖ اندیشه ای که همبودگاه نمی تواند درد کند بر همبودگاه فرمانروا می شود نه آنچه می پذیرد.
- ❖ دیرینگی هردستمایه ای چرایی پذیرش خردمندانه نیست.
- ❖ پیروزمیدان این جهان کسی است که بداند که می داند که می تواند بداند و بداند.
- ❖ خودکامگی، ازاینکه درستی و راستی تنها یکی هست و یکی می باشد ریشه می گیرد.
- ❖ بیشترین چشمداشت از دیگران این است که بخواهی به چیستی ات پی ببرند.
- ❖ ساده باش تا مهارشدنی نشوی.

- ❖ اندیشه ای که همیشه یک جور دریافت شود کارساز نیست.
- ❖ خواسته فرمانروایان آرزو داشتن توده است.
- ❖ در بیان درستی و راستی پاییدن خوشنودی بی آرش است.
- ❖ بیشتر به ساختن اندیشه نیاز است تا به پیرایش و آرایش آن.
- ❖ اگر می خواهی دیده شوی بیشتر ببین.
- ❖ گوارایی خواب هم در بیداری دریافت می شود.
- ❖ همبودگاه آزاد به چم آغازه دادستان است نه پیرو.
- ❖ ارزش آزادی به آزادگیست نه آزادی دهنده.
- ❖ کسیکه دیگران را می ترساند روزی از خودش خواهد ترسید.
- ❖ باید به اندیشه ای دودل بود که ژرفای ژرف دارد.
- ❖ راستینه ای که ازدید دشمنانمان درباره ما هست دردید دوستانمان نیست.
- ❖ هیچکس بایستگی دیگری را نمی داند.
- ❖ برای فرار از داوری شدن، دیگران را داوری می کنیم.
- ❖ در همبودگاهی که زن کارسخت مردانه انجام می دهد مرد در آن نیست.
- ❖ کسانی که از مرگ می ترسند زمینه ترس را برای دیگران فراهم می کنند.
- ❖ خود را دگرگون کنیم نه چهره خود را.

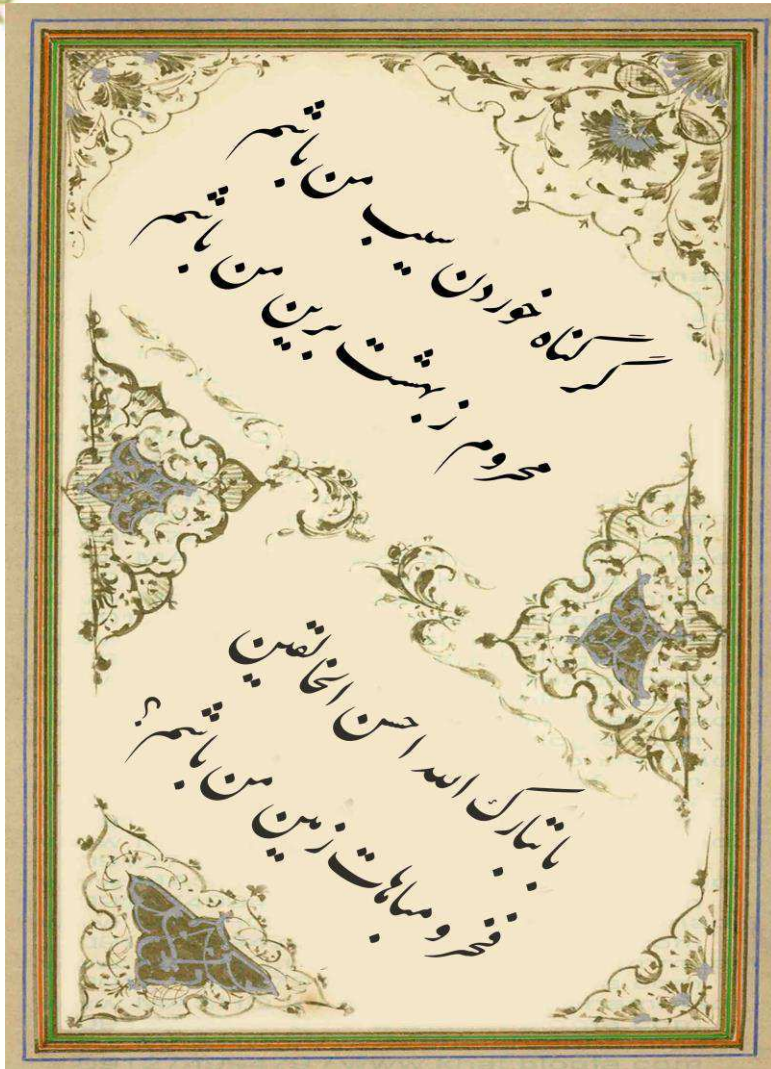
هر چه را به دل ریشه کرده ای
قبل از این تواند ریشه کرده ای

ریشه با خادم اندیشه هست
اندیشه را خود ریشه کرده ای

- ❖ نترس مردم به چی می اندیشند بترس اگر مردم نیاندیشند.
- ❖ خوب و بد شدن آدمها بستگی به سود و زیان و چگونگی جایگاه دارد.
- ❖ نخست هوش آزاد سپس جهان آزاد.
- ❖ یاهو ها با دلشوره پیوند سراسر است دارند.
- ❖ آئینه رفتار دیگران نباشیم.
- ❖ زندگی دیگران را آراسته و زندگی خود را با کاستی دیدن گمراهی بزرگ است.
- ❖ ناشناخته، نادیده گرفته مان باشد نه پوییده مان.
- ❖ ارج گذاری همان چاره اندیشی است تنها با کمی از هم جدا.
- ❖ دلدادگی درآمدها نمی میرد ولی رها می کند.
- ❖ سستی خرد است اگر تنها پنداری در هرامری باشد.
- ❖ پهنه دگرگونی سرنوشت همان پهنه جهان آرای است.
- ❖ من تنها برآیند گذشته هستم نه برده آن.
- ❖ هیچکس در آرزوهایش همسود نمی خواهد.
- ❖ باورمان را فروزه ای در خود ندانیم.
- ❖ داراییت به ارزشت باشد نه ارزشت به داراییت.
- ❖ نیرویی که بر نادانی استوار باشد هراس انگیز است.
- ❖ پاسخگو باش تا آزاد باشی.
- ❖ هردرب بسته ای نشانی دروازه ای را می دهد.
- ❖ پنداریکایی، ترسش کمتر از پندار گروهی است.

- ❖ نخستین خانه رها از جور فرمانروا نخستین میخ به گاهوک فرمانرواها بوده.
- ❖ همانندی آدمها درناهمگونی آنهاست.
- ❖ پزشکی که به سوگندش پایبند نباشد درمانگری اش بی ارزش است.
- ❖ تاریکی را باید دریافت و روشنایی را نگریست.
- ❖ ناهمگونی آدم از جانور در توانایی بازشناختن است.
- ❖ پیوند هوش پاک با دل پاک، چشم پاک است.
- ❖ یکسان انگاری در برابر ستم به چم هم سود ستمگر بودن است.
- ❖ گاهی باورهایمان را از بیرون نگاه کنیم.
- ❖ برای دریافت آزادی، دلدادگی کن.
- ❖ هوشمان را با باوردیگران و باورمان را با هوش دیگران همسو نکنیم.
- ❖ هیچکس را در تاریکی دوست نداشته باشیم.
- ❖ پابندگی در خرد سخن سنج است نه درد درست انگار.
- ❖ برای زندگی بهتر خیلی چیزها را باید خاکسپاری کرد نه آشکارسازی.
- ❖ نسک فردا امروز نوشته می شود شاید فردا خوانده و دریافت شده شود.
- ❖ آدم باوه باور به چم هوش مرده و تن زنده.
- ❖ در هوش هیچکس هیچ چیز یگانه ویژه نخواهد بود.
- ❖ شادی فراموش می شود، زمانیکه غم بزرگ را با غم کوچک بشناسیم.
- ❖ بزرگترین و استوارترین بت، بت هوش است.
- ❖ مردم سالاری نادرست تکسالاری بیشتری می شود.
- ❖ خواست به چم باید بخردانه را برشاید نابخردانه برتری داد.

- ❖ افسوس به روزیکه یادمان ها از امیدها با ارزشتر شوند.
- ❖ بیشترین زمان را با خودمان بگذارنیم.
- ❖ زندگی برای کسیکه دوستدارکشورداری نیست دربییشه آسان تراز همبودگاه است.
- ❖ دشمنی، درخاموشی دوست است نه فریاد دشمن.
- ❖ گاهی دربرابر خودمان هم اندیشه کنیم.
- ❖ دگرگونی به چم پرسشی را ازخودمان بیرسیم سپس همان پرسش را از دیگری.
- ❖ جهان سنگدل نیست، سنگدلی ما آنرا سنگدل میکند..
- ❖ بودن زندان نشانه دادگری نیست.
- ❖ مرگ برای برخی از آدمها همچون زندگانی و هستی است.
- ❖ هر آنچه درد دل داریم برای ما می ماند، دیگر هیچ.
- ❖ دستاورد زدایش آزادی این جهانی بهروزی آن جهانی نیست.
- ❖ زیاده روی درارج نهادن، فرآوری ترس می کند.
- ❖ چم و اندازه زندگی را مرگ به ما میدهد.
- ❖ دگرگون کردن جهان یک تن سخت ترازدگرگون کردن جهان چند تن است.
- ❖ بهشت را با زندگی کردن می توان شناساند نه با مردن.
- ❖ بزرگتر از بداشتمان باشیم.
- ❖ زندگی تنها درگردهمایی نیست، جداشدن هم هست.
- ❖ مغزمرکز زندانی است کوچک با پیرامونی بزرگ.



- ❖ بهترین راه رهایی از فشاراندیشه، دودلی است.
- ❖ بهتر زندگی کنیم نه بیشتر.
- ❖ تلاش کنیم چهره مان را چستی و کیستی ببخشیم.
- ❖ با گذشت زمان، برخی پیرمی شوند، برخی رشد می کنند.
- ❖ دشمنان ما هم دشمن دارند، همیشه دشمن دشمن ما دوست ما نیست.
- ❖ سایه یاهو ها با پیشرفت دانش کمرنگ می شود.
- ❖ هیچکس از جایگاه توانایی دروغ نمی گوید.
- ❖ آرامش هردرباری بستگی به آسایش مردمش دارد.
- ❖ دلباختگی به چمن بشود ما.
- ❖ دوستی هاییکه با از آن خود خواستن آغازشوند با دشنام به پایان میرسد.
- ❖ گاهی جنگیدن دشمن را تواناتر می کند.
- ❖ زندگانی برخی آدمها با مرگ به پایان نمی رسد.
- ❖ درهمبودگاه نادانان بانگ خرد سست است و یاهو بلند.
- ❖ یاهو ها ازارج نهادن به هرچیز بی ارزش، هست می شوند.
- ❖ آدم توانا کسی است که درتنهایی دریافت تنهایی نکند.
- ❖ زندگی دردل است که روی یکسان دارد نه درآسمانه .
- ❖ همیشه شماریبیشتر دنبال درستی و راستی نیست.
- ❖ رشک به چمن ارج گذاری به دیگری ولی ناخوشایند.
- ❖ با رویگردانی این زمان اکنون را به آن زمان گذشته دگرگون نکنیم.

- ❖ دلباخته از دلبرچشمداشت دگرگونی ندارد.
- ❖ بیزاری از مردمی که هیچگاه ندیده ایم همانند نادانی است.
- ❖ همه آدمها می توانند داشته هایی از زندگی ما باشند.
- ❖ هشیارباشیم تا مهر پیاپی بایستگی دستوری نشود.
- ❖ درستی و راستی را با چشم تنها هم می توان دید.
- ❖ دوست داشتن پاسخگویی برپا می کند.
- ❖ با هم اندیشی، میهن پرستی به میهن خواهی دگرگون می شود.
- ❖ دگرگونی بنیاد است نه نیاز.
- ❖ با روززدگی نگذرانیم با زندگی روز بگذرانیم.
- ❖ نابینا تنها در شب راهنمای خوبی است نه در روز.
- ❖ دستاورد پیمان شکنی درویشگان مرگ راستگویی در مردمان است.
- ❖ کامیابی امروز را با دستاویز کردن بهروزی فردا از دست ندهیم.
- ❖ یک بار بدانیم تا دیگر نتوانیم ندانیم.
- ❖ خویگری بد است، خوگرفتن به آدمها بدتر.
- ❖ نادانان پرزورتر هستند چون میزان ندارند.
- ❖ مردم گرایی با پژوهش میانه ای ندارد.
- ❖ بجای جنگیدن بی هراسی بیافرینیم.
- ❖ آموزش خوب آموزشی است که ما را با راستی و درستیمان آشنا کند
- نه با کم و بیشمان.
- ❖ زندگی راه است نه آماجگاه و آزادی خواستگاه است نه راه.

❖ در هر مبودگاهی در تنگنا گذاشتن زن به چم در تنگنا بودن پیشرفت است.

❖ بی خردی وا گذاشتنی است، به پسینیان تر ابرده اش نکنیم.

❖ بی چرای نپذیریم که زمانی دیگر با راهنما نتوانیم رد کنیم.

❖ از برای پیمان نشکستن با دیگران به خودمان ناسپاسی نکنیم.

❖ ترس از تازنده خردمند کمتر از پدافندگری خرد است.

❖ خاموشی جهان آرا در زمان کوتاه نشانه بانگ بلند پیش آمد بد در آینده است.

❖ خواندن نسک تاریخ ساده تراز آزمون فرجام تاریخ است.

❖ دوست را اندازه انگارش هات گزینش کن نه اندازه خودت.

❖ نخست باید بدانیم که نمیدانیم سپس دنبال دانستن باشیم.

❖ دانش به چم پژوهش را اندیشه کردن.

❖ دلیری مایه پیشرفت می شود.

❖ برای هرگزینش باید سال ویژه ای داشت.

❖ بیشتر به چارچوب های خود دودلی کنیم.

❖ تنهایی ات را با تنهایی دیگران پر نکن.

❖ در تنهاییست که با چهره راستین خویش روبرو می شویم.

❖ خاموشی با مرگ ارزش پیدا می کند.

❖ دیدن ها دیدگاه هستند نه درستی و راستی.

❖ پایین تراز تهیدست بودن هر مبودگاهی از این روی است که

سرپرستانش پایین تراز هوش میانه هستند.

درک من از دنیای فانی این است
از ازل تا به ابد هم چنین است

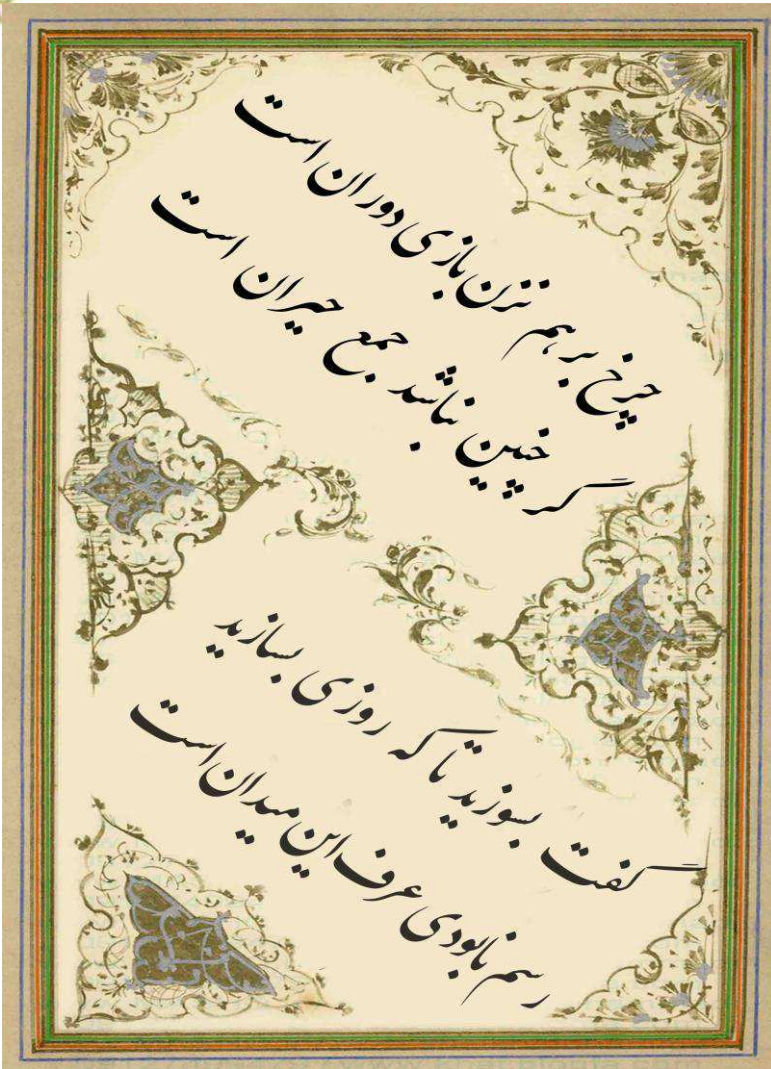
چه خواهیم
چه بخواهی چه
حاصل کلانش زمین است



- ❖ زندگی با زارداد و ستد است نه میدان نبرد.
- ❖ نگاهمان را آرایش نکنیم.
- ❖ اندیشیدن توده ای به چم دگرگون شده چهره گذشته، در خواب و پندار فردا و روی گرداندن از اکنون.
- ❖ زندگی روز کوتاهی است بین دو شب دورو دراز.
- ❖ درهمبودگاه پویا دریافت برتری اندیشه گوینده سهش خواری پنهان درشنونده نیست.
- ❖ برخی آدمها در تاریکی هم مانند هم نیستند.
- ❖ روراستی به چم گاهی از خودپکر بودن.
- ❖ شماربیشتر نادانان آبشخور بخش کم نابکاران می شوند.
- ❖ چشم براه پذیرش دیگران نباشیم چه بسا پذیرش دیگران به چم گمراه شدن از یکرنگی در کردار.
- ❖ هر آدمی می تواند با هرسپیده دم زاده شود.
- ❖ چه بسا هر باوری برای دارنده باورارجمند باشد ولی برای دیگران باید نکوهیدنی و خوارداشته شود..
- ❖ هیچی در این جهان جاویدان نیست هرچند این جهان.
- ❖ چه بسا بت بیرون شکسته شده باشد ولی تاکنون باورش درهوش مانده.
- ❖ زندگی را به کار ببریم نه دور بریزم.
- ❖ درزندگی آزاد نه خرد برای زنان نیرنگ است و نه فریب برای مردان خوب.

- ❖ یادمان باشد خیلی ها با ما هستند نه برای ما.
- ❖ دروغ و ناسپاسی درنهاد آدمها نیست بی گمان ریشه تاریخی دارد.
- ❖ از دمی که بر آن شوی بدانی به چم این است که میدانی.
- ❖ کاستی بدی نیست ونکه می تواند انگیزه کوشش برای فرگشت باشد.
- ❖ بدگمانی ها در دوستی هاست نه در دشمنی ها.
- ❖ کشورداری که خودش دگرگون نشود دگرگونش می کنند واگر نشد زدوده می شود.
- ❖ فرمانروای دروغین، جهان فرمانروایی را جهان سرسپردگی می داند.
- ❖ آدم تنها چیزی است که ارزش می آفریند .
- ❖ آزادی به چم توانایی دگرگون کردن چگونگی بایستگی به نگهداری چگونگی گزینش.
- ❖ رویا را نشان بده، بازگو نکن.
- ❖ همبودگاه هرچه بی دانشترو تهیدست تر باشدیاوه ها نیکوتر می شوند.
- ❖ برای آدمها از بیرون پدافند کنیم و برای خدا از درون.
- ❖ فروانروای هرهمبودگاهی ازدرون همان همبودگاه بیرون آمده.
- ❖ بدیها را درهوش گم کنیم وخوبیها رادر دل نگه داریم.
- ❖ جای خرد و دلدادگی هردودرمغز است نه دردل.
- ❖ بردگی به زورساخته شده با ترس همیشگی می شود.
- ❖ نادان به باورخود بودن برترازاگاه برباوردیگران است.
- ❖ انگیزه کامیابی دیروز می تواند پیشکارشکست امروز شود.
- ❖ آزادی تنها با خرد بدست می آید.

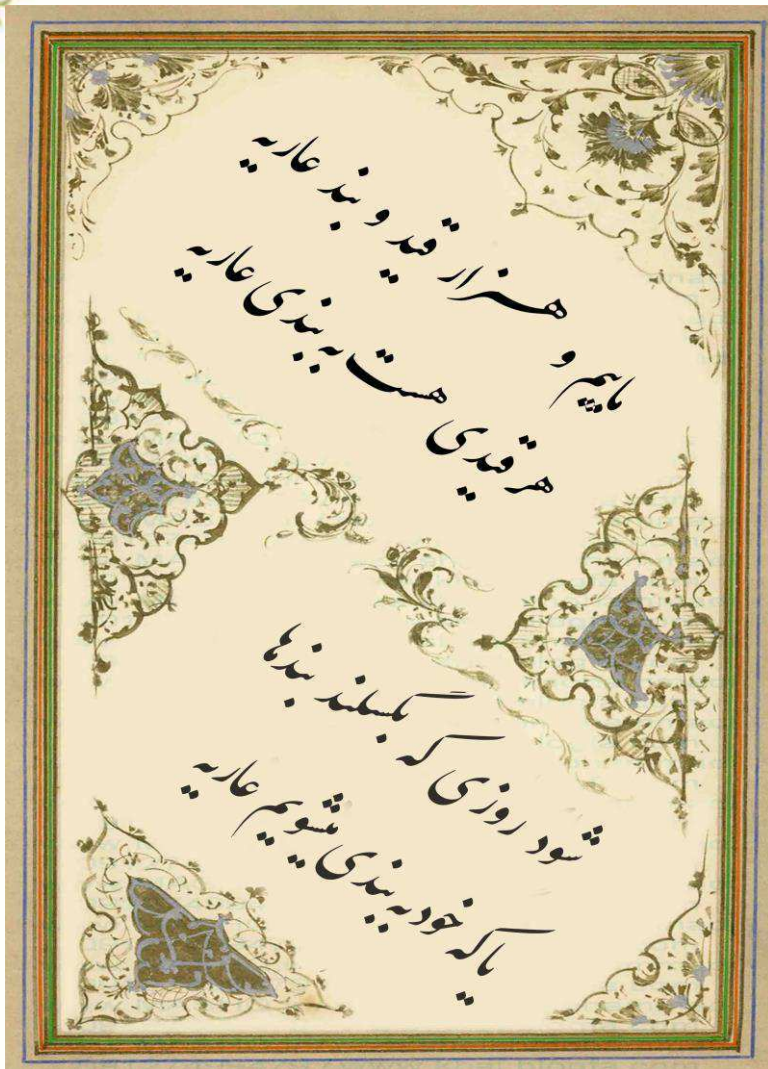
- ❖ کاردانش با زیستگاه است نه فراسپهر.
- ❖ باور هراس انگیز باوری است که ارزش را به بی ارزش و بی ارزش را به ارزش دگرگون کند.
- ❖ نه گذشته با افسوس و نه آینده با بیم دگرگون نمی شوند.
- ❖ شوربختانه بی دانش امروز هم می توانند بخوانند هم بنویسند دستک هم دارد.
- ❖ درجنگ همه بازنده اند.
- ❖ اشک را پاک نکنیم پدیدآورنده اش را پاک کنیم.
- ❖ با جنگیدن نمی شود سهشی را به چنگ آورد .
- ❖ چه بسا از برای خاراز گل بیزار نشوم و از برای گل به خار هم شیفتگی ندارم.
- ❖ باران همسان می بارد ولی کارسازی اش ناهمگون است.
- ❖ پیکار جو گفت و شنود نمی خواهد، جنگ می خواهد.
- ❖ کارآزموده ی دانش کشورداری برهمگون خودش سالاری نمی کند.
- ❖ موسم های زندگی تکرار شدنی نیستند.
- ❖ زمان آن رسیده که هوش شگفت انگیز را جایگزین پنداشت شگفت آور کنیم.
- ❖ آیینی که زیانش برای مردمان و سودش ویژه ویژگان باشد آیین نیست وانگه ره نامه ناخجسته است.
- ❖ برای خود خوب شویم تا برای دیگران خوب باشیم.



- ❖ برای شناخت دشمن برخی از دوستان را ازدست خواهیم داد.
- ❖ اگر از تاریخ به گزینش فرانگیریم بزور آموزش خواهد داد.
- ❖ برای خرید نسک هزینه کنیم نه برای نخواندن آن.
- ❖ دروغ را آسان ترمی شود باور کرد چون به باورمان اندیشه کرده.
- ❖ دوستیها با سخن آغاز می شوند و با کردار به پایان می رسد.
- ❖ در برابر بی دادگری خاموشی روا درگور است.
- ❖ از گمان به باورنیم بند آغاز کنیم نه از باور به باورتنها.
- ❖ تنها زمان اکنون راستینه است نه گذشته نه آینده.
- ❖ پایداری را با زمان بسنجیم نه با زبان.
- ❖ بی پروایی خود خواسته چند و چونی ازنگروری است.
- ❖ اندیشه کهنه با بیان نوین بازهم کهنه است.
- ❖ اگر از سرننادانی از مهرورزی یکی فرارکنیم بی گمان به خودخواهی یکی گرفتار خواهیم شد.
- ❖ سخن خوب بگوییم نه خوب سخن بگوییم.
- ❖ تنها نداشته های کوچک با آدمهای کوچک پرمی شود.
- ❖ خودخواهی جدایی بین هوشیاری و نادانی است.
- ❖ آدم ناتوان را جهان و آدم توانا جهان را دگرگون می سازد.
- ❖ باور بیش از اندازه دروغگویی می سازد که با بی آلاشی دروغ می گویند.
- ❖ از دید آدمی هم باور باشیم نه از دید باور.
- ❖ ارزش دانش دردگرگونی است نه در پایداری.

- ❖ تکرار، تاریخ می شود ولی تاریخ تکرار نمی شود.
- ❖ گاهی اگر دشمن داری یا ناتوانی یا ستمگری.
- ❖ همبودگاه یاوه ها، همبودگاه پرخاشگرمی شود.
- ❖ بهترین آیین گذاری کمترین آیین گذاری است.
- ❖ هر چیزی که تکرار شود پذیرفتنش آسان ترمی شود هر چند بی دادگری.
- ❖ شاید نكوهش تباهی فرمانروایی را زدایش نکند ولی کم می کند.
- ❖ بهانه گیری نکنیم باریک بین باشیم چون بهانه گیری از نادانی است و خرده گیری از دلاوری.
- ❖ خردمند پرازگمان باشیم نه نادان پرازباور.
- ❖ زندگی دادگاه نیست.
- ❖ اگر توهمانند من بیندیشی و من همانند تو پس هیچکدام اندیشه نمی کنیم.
- ❖ شاید اندیشمند آفریده شدیم که همچون گذشتگان کار نکنیم.
- ❖ نه دانش بهتراست و نه دارایی اگر خرد نباشد.
- ❖ ارزش آدم با اندیشه است نه به اندام.
- ❖ پیشرفته بودن هر کشور به ساختارهاست نه ساختمانها.
- ❖ خود بزرگ بینی دست آویزی نام و نشان شدن و واپس ماندگی می شود.
- ❖ گذشته زیستگاه بود زمان برایش هزینه نکنیم.
- ❖ هنگامی تخم نادانی بپاشی خودکامگی برداشت می کنی.

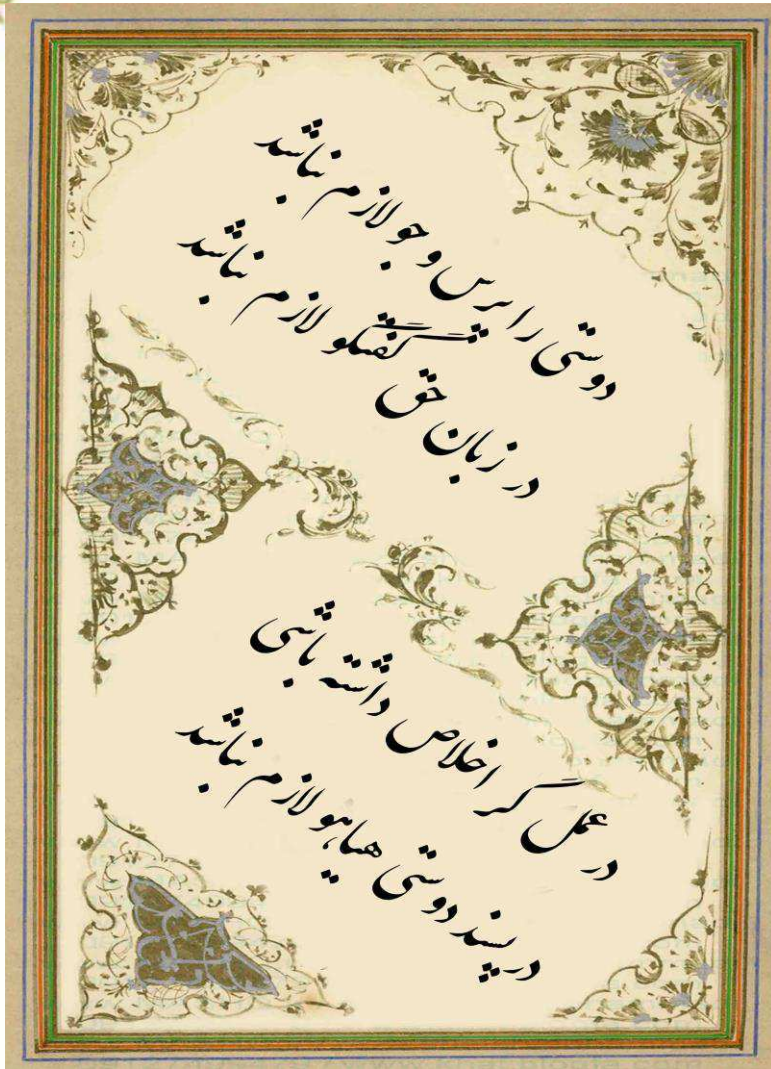
- ❖ نایکسانی را دنباله روی کنیم.
- ❖ تنها از آدمیزاد باید ترسید.
- ❖ رسانه وابسته می تواند جای ستمگر و ستمدیده را جابجا کند.
- ❖ دردگفتنی هیچگاه نهفتنی نمی شود.
- ❖ دلدادگی نه دادوستد است نه پیکار.
- ❖ آسایش بدون آرامش به چم زندگی درزندانی بزرگ.
- ❖ باوری که سرزمین بازشناخته کند پافشاری بی خردانه است.
- ❖ درجهان ما همه چیز تاریخ پایان دارد.
- ❖ باوری که سرچشمه درآمد شود گسترش دهنده اش فریبکار می شود.
- ❖ نادان به اندازه کاروخردمند به ارزش کاربها می دهد.
- ❖ دانش می گوید شناخت اندیش باش نه سود اندیش.
- ❖ با آموزش می شود آزادی را دریافت پس باید آزاد آموزش دید.
- ❖ هنگامی چاپلوسی پیشه شود باریک بینی ناپسند می شود.
- ❖ تلاش کنیم بدهکار جوانمردی و بزرگواری باشیم و بستانکار خویش.
- ❖ بی دادگری درتهیدستی است و تهیدستی دروازه هرزگی.
- ❖ برای دانستن هرچیزی پادش را هم بررسی کنیم.
- ❖ با شادکردن دیگران زمان را شکست دهیم.
- ❖ با هوش خود پیروز شویم نه از نادانی دیگران.
- ❖ هراسناکترین جای جهان جایی است که در آن دانش، هنر و اندیشه نباشد.



- ❖ آنگاه که زنی آگاه شود دودمانی آگاه بماند.
- ❖ رفتار آدمها وابسته به چگونگی زمان و جا است.
- ❖ برخی آدمها همچون مردگانی با اندیشه هایی کهنه از گورستان تاریخ آمده اند تا بازدارنده پیشرفت باشند.
- ❖ درهمبودگاه آزاد باید اندیشیدن با بانگ رسا باشد.
- ❖ آدم خردمند و باهوش سرسپرده نمی گردد.
- ❖ نادیده گرفتن زن به چم نادیده گرفتن نیمی از آدمی گری نه نیمی از آدمها.
- ❖ با آزموده های دیگران نمی شود زندگی کرد.
- ❖ درستی و راستی آدمها همیشه پنهان می ماند.
- ❖ همه کسانی که وارد زندگی ما می شوند آموزگار ما هستند.
- ❖ آزادی بخش نبوده و نیست چون آزادی بخشیدن نیست.
- ❖ دو گونه ناموری جدا از هم هست، یکی پیش از مردن و یکی پس از مردن.
- ❖ ارزشهایمان را با بررسی برآیند گزینش هایمان درپرتو آزموده ها ویرایش کنیم.
- ❖ همه ی ما روزی هیچ کس و هیچ جا نخواهیم بود.
- ❖ برای کامیابی ازمرز خستگی باید گذشت.
- ❖ باورمن نیکی کردن است رهای ازهرگونه ناهمسانی درنرولاسی، آیین، نژاد و کشور.
- ❖ سرنوشت به چم پشتکار و گزینش.

- ❖ هیچکس از جداشدن هیچکس نمرد.
- ❖ چیزی که تاب نمی آوریم سربار نکنیم.
- ❖ زن زندگیست و زندگی کرانمند نمی شود.
- ❖ زندگی خوب یک بارکافیه.
- ❖ ترس درپنداشت همگانی است.
- ❖ دلباختگی فرای خرد نیست.
- ❖ هنربازگو کردنی نیست.
- ❖ دم را می شود بهشت و دوزخ ساخت.
- ❖ هرجایی به گزینش خودت بهشت است هرچند دوزخ باشد.
- ❖ اگرزمین نخوردی به چم راه نرفتی.
- ❖ دشمن گاهی راست را دردروغ می گوید.
- ❖ شاید سود گروه سود تک تک ما باشد ولی سود تک تک ما سود گروه نیست.
- ❖ اگرنخواستی درسوگ آینده باشی به گذشته فکرکن واگرنخواستی اندوه گذشته را داشته باشی به اکنون اندیشه کن و اگرنخواستی اندوه اکنون را داشته باشی رویهمرفته اندیشه نکن.
- ❖ ندانستن بدی است ولی بد دانستن بسیار ناگواراست.
- ❖هرباوری که واژه نمی دانم را ندارد فرجام بد دارد.
- ❖ کارمن نباید با باوردیگران سنجیده شود.
- ❖ هوش زیاد و باورکم ترسش کمتر از باورزیاد و هوش کم است.
- ❖ همه آدمها آدم هستند تنها گاهی فراموش می کنند.

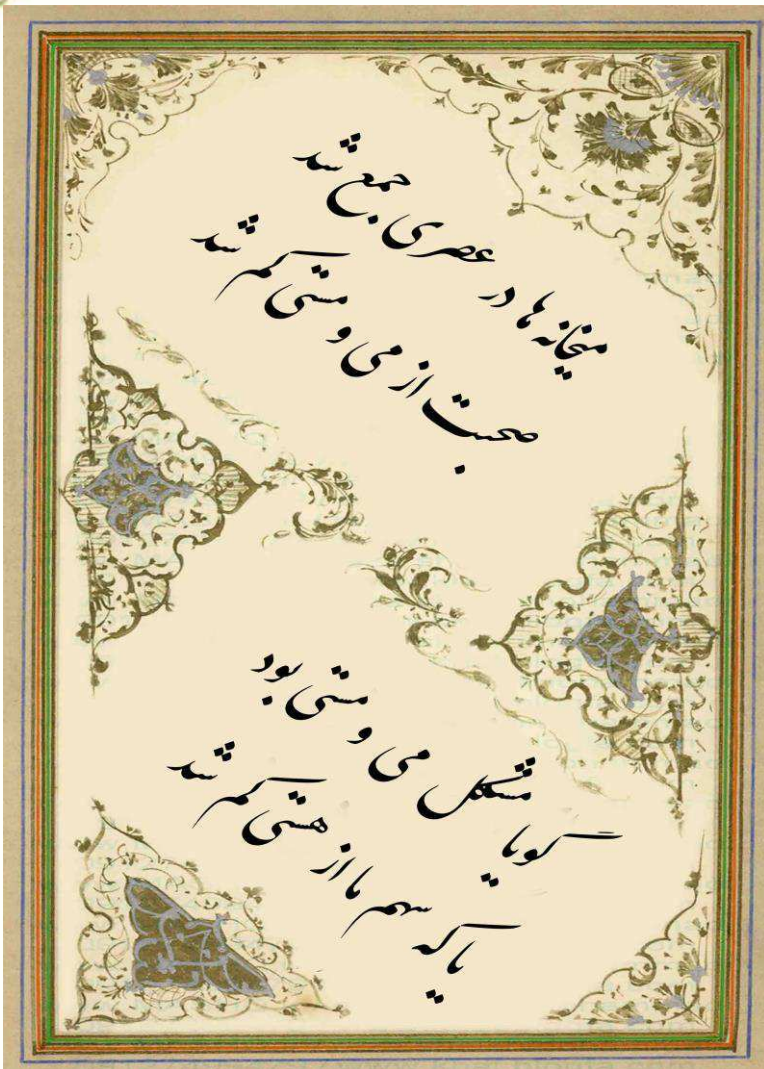
- ❖ رنگ توده را نمی پسندم چون رنگ ریا است.
- ❖ آزادی نوشتن نسک است نه خواندن نسک.
- ❖ اندیشه دربند، درستی و راستی را پیدا نخواهد کرد.
- ❖ دربی گمنامی باش تا رسیدن به آوازه چون ناموری بهره گمنامی است.
- ❖ تنها زمانی چیزی را بازگو کنید که می خواهید فراموش نکنید.
- ❖ بی خردان می دانند که باید بدانند ولی نمی خواهند که بدانند.
- ❖ هیچ روبنده ای دردیربازبر چهره نمی ماند.
- ❖ اندیشه ها دستاورد آدمها هستند از آدمها خرده گیری کنیم نه از اندیشه ها.
- ❖ باورپرست نباشیم ونکه باورشناس باشیم.
- ❖ آساشکن های راستین خشک مغزها هستند.
- ❖ شتاب در دوستی به چم شیوه ی آهسته دشمنی کردن است.
- ❖ اندازه خود را بدانیم تا کم و بیش خود را بشناسیم.
- ❖ نترسیم و تلاش کنیم نه اینکه تلاش کنیم نترسیم.
- ❖ بدبینی خوشبینانه بهتراز خوش بینی بدبینانه است.
- ❖ کامیابی گزینش همه است ولی همه گزینش نمی کنند.
- ❖ دروغگو کردارش ریا و اندیشه اش تباهیست.
- ❖ دویدن با راه رفتن آغاز می شود.
- ❖ پذیرش لغزش به چم لغزش کمتر است.
- ❖ آدم دردمند پی بردن به دردش می خواهد نه همدردش.



- ❖ یک بار بمیریم و هزار بار زندگی کنیم نه وارون.
- ❖ راه درست را بریم تا درست راه بریم.
- ❖ کسیکه باوری را در دیرباز بی خرد پذیرفته باشد در زمان کم با خرد کنار نمی گذارد.
- ❖ با اندوه و زاری به هیچکس نمی شود نزدیک شد.
- ❖ دور زدن خردورزی به چم فریب دادن خود.
- ❖ کسیکه لغزش داشته بیستراستوان است.
- ❖ کهنگی برای دوستی خوب است و برای دلدادگی نه.
- ❖ مرگ رواست چونکه همه با آن میرسند.
- ❖ شاید با پیش آمد شکست بخوریم ولی با گزینش می پذیریم.
- ❖ تاریخ به چم برگشتن تکراری برگ است نه برگ تکراری.
- ❖ بسیار خوب است که دل و مغز نرولاسی ندارد.
- ❖ سخت ترین دلتنگی، دلتنگی برای خودت است.
- ❖ هردخواست از دیگران یک دیوار به دور خودمان است.
- ❖ درهمبودگاهی که آسا بدست مردان نوشته شده باشد گفتگوی هوده زن سرگرمی بیش نیست.
- ❖ پیوند شیفتگانه میدان زور آزمایی نیست.
- ❖ آدم زنده به چم توان بازگو کردن باور و اندیشه.
- ❖ با کهنه های خوب تازه بمانیم و با تازه های بدکهنه نمانیم.
- ❖ تاریخ آموختنیست نه آویختنی.
- ❖ برای کسانی گفتارنسازید که شایستگی واژه را هم ندارند.

- ❖ پیشرفت به چم آزادی خرده گیرو ناسازگار.
- ❖ نادانی به چم ایستادگی در برابر دانستن.
- ❖ بدترین خو گرفتن خویگری به آدمهاست.
- ❖ هنگامی از چیزی بترسی به چم دوستش نداری است.
- ❖ بلندی و کوتاهی آوا بستگی به جدایی دلهاست هرچه بلندتر دوری بیشتر و وارون.
- ❖ پهلوان خود باشیم پیکار گذرا است.
- ❖ برای بدرود گفتن نیاز نیست نامه بنویسید.
- ❖ والایی باش که میخواهی نه کسی که می خواهند.
- ❖ چاپ برخی نسکها ناسپاسی به درختان زمین است.
- ❖ روزی نرسد که جانوران برای دشنام به همدیگر بگویند ای آدم.
- ❖ اگر جایی فرتورتورا بزرگ می کنند به چم این است که خودت را کوچک می کنند.
- ❖ همانگونه که اندیشه ها به دستاویز مردم دگرگون می شوند، مردم هم به دستاویز اندیشه ها دگرگون می شوند.
- ❖ برآورد پیشرفت گروهی هرهمبودگاهی با جایگاه همبودین زن انجام می شود.
- ❖ همینکه دریند یاهو ها نباشی آزادی.
- ❖ دلدادگی جاودانی سخن نادرست است، اگر پیمان شکنی نباشد.
- ❖ مهرآمیز کار کردن پیشکاری نیست که بازپرداخت شود.
- ❖ همکنش با زن نه دستور دادن، درزیر خاک همه یکسانیم.

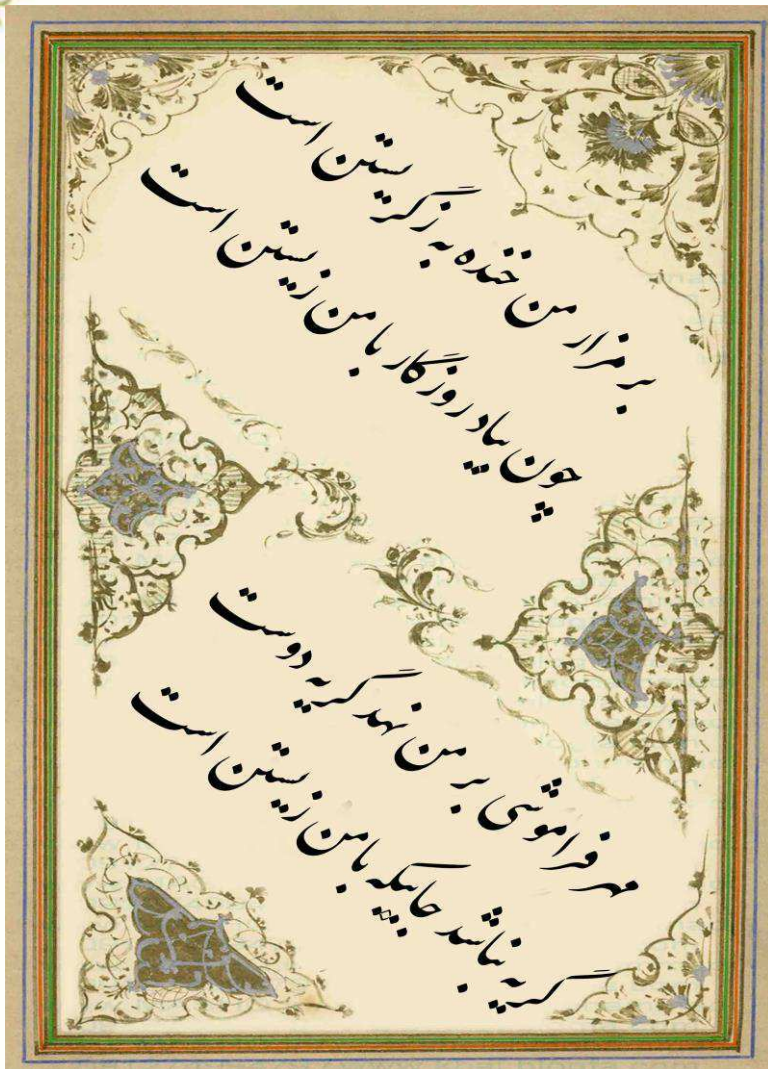
- ❖ چه سواره باشی چه پیاده چرخ روزگار همواره می چرخد.
- ❖ گاهی هماهنگی خوبه ولی هراهنگی نه.
- ❖ دلدادگی که آبادگر نباشد بی گمان ویرانگر خواهد شد.
- ❖ به شمار آدمها جهان بینی هست.
- ❖ هرچه رویا بزرگتر باشد انگیزه بیشتر و پیشرفت تندتر.
- ❖ خوب بودن چرایی نمی خواهد ولی برای بد بودن باید انگیزه درستی داشت.
- ❖ یادمان باشد هیچکس دوبار زندگی نکرد.
- ❖ نام و نشان با خرد پا می گیرد نه با پذیرفتن یا نپذیرفتن ازسوی دیگران.
- ❖ زندگانی و زندگی رونوشت ندارد ارزش هر دم را باید دانست.
- ❖ برای خشنود کردن خودمان زیاد سخن نگوییم.
- ❖ هرسپیده دم پس از بیدار شدن، بیدار شویم و بیدار بمانیم.
- ❖ هیچگاه تاریخ با کجروی تن به بیراهه نمی رود.
- ❖ دروغ های شناخته شده درزندگی، همان خوشآمد گویی ها هستند.
- ❖ پاس داشتن برتری باید در کنار فراهم کردن روزی باشد.
- ❖ آدم بودن در کردار است نه در نما.
- ❖ به هیچ دسته کلیدی باور ندارم تا کلید سازی را یاد بگیریم.
- ❖ کسبیکه خانه اش از چوب درست شده است پیرامونش آتش روشن نمی کند.
- ❖ کلید گوارایی و رنج هردو دست ماست.



- ❖ دلباختگی به چم همانسان که با خودت سخن می گویی با دلبرت سخن بگویی.
- ❖ نخست زندگی کردن را یاد بگیریم سپس زندگی ساختن را.
- ❖ برای دیگران فروتن باشیم نه خودپسند.
- ❖ آدمها را از روی ناهمسویانشان بشناسید.
- ❖ خود خواه نباش هرچه می خواهی بخواه.
- ❖ اندیشه پوسیده زبان را هرزه می کند و وارون.
- ❖ بزرگراه کامیابی پایان ندارد.
- ❖ با خویش نبرد کنیم تا آشتی پایدار بماند.
- ❖ اگر به مرگ بخندی بی گمان به زندگی ترشویی نمیکنی.
- ❖ همیشه از خود پدافند نکنیم گاهی به خود آفند کنیم.
- ❖ کسانی که باورشون واداری است را نباید به سخره گرفت ونکه باید همدردی کرد.
- ❖ نسک بخوانیم که چند بار زندگی کرده باشیم.
- ❖ کامیابی دل پاک و دید روشن می خواهد.
- ❖ هنرمند کسیست که ندیدنیها را دیدنی کند.
- ❖ اگر خود هموار باشیم هیچ راهی ناهموار نخواهد بود.
- ❖ آمدنی را باید چشم براه بود و رفتنی را باید یاری رساند.
- ❖ درگزینش بی خردی همه ی آدمها آزادند.
- ❖ دل بستن به سرپرستی کردن، توانایی بازشناختن را از آدم می گیرد.
- ❖ درستی و راستی ها بیشتر جدایی می آفرینند سپس دروغها.

- ❖ نادانی خدادادی نیست برای کودن شدن باید آموزش دید.
- ❖ برای کامیابی باید به روز بود نه به زور بود.
- ❖ دلباخته شدن را همه بلد هستند ولی دلباخته ماندن را تنها شماری.
- ❖ بدترین رخدادهای درخشان ترین آئینه های زندگی هستند.
- ❖ پیشرفت به چه بهرمندی درست و به هنگام از پیش آمدهاست.
- ❖ اگرچالشی به دست خودت چاره نشود به چه بخشی ازچالش خودت هستی.
- ❖ دربرابری بیجا و تندخویی، هم خاموشی هم فریادت بیاد می ماند.
- ❖ برخی با دلدادگی زندگی می کنند و برخی تنها زنده اند.
- ❖ از آدمهایی که هیچگاه به خود دودلی راه نمی دهند باید ترسید.
- ❖ شاید خیلی چیزها را بشود پیشکش داد ولی اندیشه را نه.
- ❖ کشوری که انباشته نفت و گاز ندارد تهیدست نیست، تهیدست کشوری است که تهیدستانش به سان سرمایه داران زندگی کنند..
- ❖ کامیابی را از خودگرفتن گناهی نابخشودنی است.
- ❖ باید زیست و درزندگی دنبال دادگری و دامنندی بود.
- ❖ نابودی فرهنگ به چه نسک را ازدستفروش بخریم.
- ❖ بین آوای درونی و بینش من داد را گزینش میکنم چون داد توانایی دگرگون کردن دارد.
- ❖ همیشه و همه جا تنها نیروی روا، زور رواست.
- ❖ هیچ درستی و راستی نیست که برای بدست آوردنش جان هزینه شود.

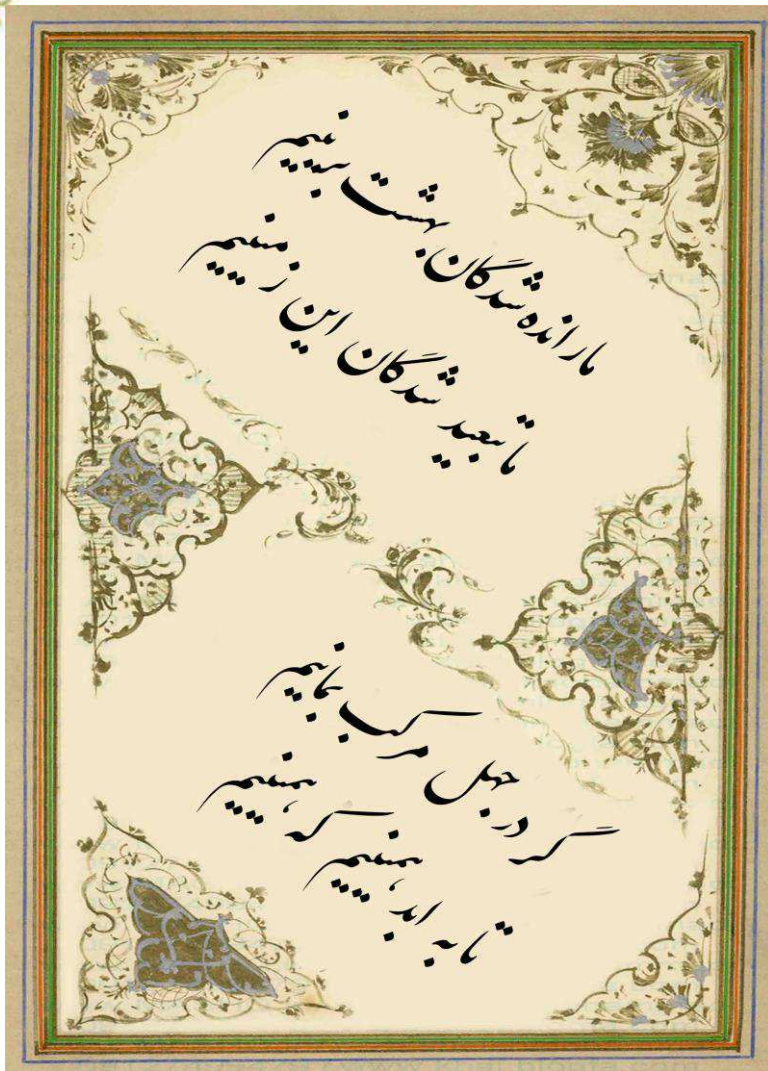
- ❖ زیبایی زن دردلدادگی، شاد بودن و پیکار کردن است.
- ❖ آدم خردمند به چم بیشتر با سهش و کمتر زودرنج.
- ❖ برای داشتن آینده خوب نباید به ناگزیر گذشته ی خوبی داشت.
- ❖ بهترین سنجش، سنجش خویش است.
- ❖ هرچه که از نیاکان به من رسیده باید گردگیری شود و بازسازی هرچند باور.
- ❖ رویداد ناگوار بزرگ را مغز کوچک پدید می آورد.
- ❖ دروغ گفتن به چم هم بسیار خواهی و هم کم خواهی درگفتن گفتار.
- ❖ پیشرفت در جنگ افزار نیست در آسودگی است.
- ❖ هشیارباشیم که نادرستی دید نابودی هوش می شود.
- ❖ اگرما چیزی را نشدنی نکنیم خودبخود ناشدنی نخواهد بود.
- ❖ اگر تنها به آرمان اندیشه کنیم به آرمان نمی رسیم.
- ❖ هرچه بیشتر می خوانم که بیشتر بدانم آگاه می شوم که کمتر میدانم.
- ❖ همه ی پرآوازه ها والا نیستند ولی همه ی والا ها نامدارند.
- ❖ هرکس به زبان آدمها سخن گفت که آدم نیست.
- ❖ زن دلباخته فراموشکار نمی شود.
- ❖ شاید همه بگویند مرگ سزاوار است ولی من می گویم زندگی سزاوارتر است.



- ❖ یکتا باش و یکتا پرست هر چند دردلباختگی.
- ❖ برای برخی خودشون باشید نه خودتون.
- ❖ برای خندیدن به جهان باید هم سرنوشت بود.
- ❖ ناهمگون درمیابیم چون ناهمگون آزمون می کنیم.
- ❖ کسبیکه با شنیدن درستی و راستی کرو با دیدن درستی و راستی کورمی شود آدم نیست.
- ❖ روزی خواهیم دانست که زن بودن تنها تن بودن نیست.
- ❖ کینه ورز نیستم چون خود را از برای دیگران کیفر نمی دهم.
- ❖ هر آدمی را کمتر شناختم بیشتر دوستش داشتم و وارون.
- ❖ پیمان شکنی دردلدادگی به چم دزدیدن دلباختگی است.
- ❖ زندگی بدون (شما) هیچ است.
- ❖ افسون زدایی نیازکشورداری درجهان سوم است.
- ❖ نخست باورکنیم پس دوست داشته باشیم.
- ❖ برخی جاها خاموشی درخشانتر است.
- ❖ برای دیگران دگرگون نشو، هر جور که باشی جور دیگری تو را می خواهند.
- ❖ جهان بیرون نشان از اندیشه درونت دارد.
- ❖ شایستگی باید به گستردگی گنجایش باشد.
- ❖ از همدیگر انگاره آدمی داشته باشیم نه انگاره ایزاری.
- ❖ زن دلباخته مرد شایسته می خواهد.
- ❖ پسرقت فرهنگ به چم راهکار کوچک برای دشواری بزرگ.

- ❖ اندوخته ی دلدادگی ات بی شمارکن ولی هزینه دلباختگی ات به اندازه کن.
- ❖ بی آرمان که باشی ابزارآرمانگرایان می شوی.
- ❖ خودکامگی، فرهنگ بهره فرمانروایی برنادانی فرمانبری توده را نهادینه می کند.
- ❖ خردورزی درسخن آشکارداشته باشیم نه انگیزه تراش.
- ❖ زن دل خانه است اگرنتپد خانه فرو می ریزد.
- ❖ هیچکس با شناساندن خرد، خردمند نشد.
- ❖ پیشامد بی ریشه زمانی رخ میدهد که بی ریشه انگاشته نشود.
- ❖ با هیچ باوری از آدمهایی که ندیده ام بیزار نمی شوم.
- ❖ همیشه نیمی ازآدمها را تنها ببینید و نیمی دیگررا روا بدانید .
- ❖ همینکه پایبند یاهو ها نباشی، آزادی.
- ❖ جداسازی پیرامون شادمانی زنان همسان بدرفتاری است.
- ❖ با هم باشیم ولی به هم نباشیم، تنهایییم.
- ❖ جای خالی برخی ازچهره ی برخی زیباتراست.
- ❖ آزادی به چم آزاد باشی که بگویی آزاد نیستم.
- ❖ فراموشی به چم شایستگی را ناشایست کردن است.
- ❖ بستن چشم، راهبند آشکارشدن هیچ رخدادی نمی شود.
- ❖ آدمها را ازروی چهره هایشان درست نبینیم.
- ❖ درکناردیگران زندگی کنیم نه با دیدگاه دیگران.
- ❖ امیدوارم خوراک دیگری با سرنوشت من گره نخورد.

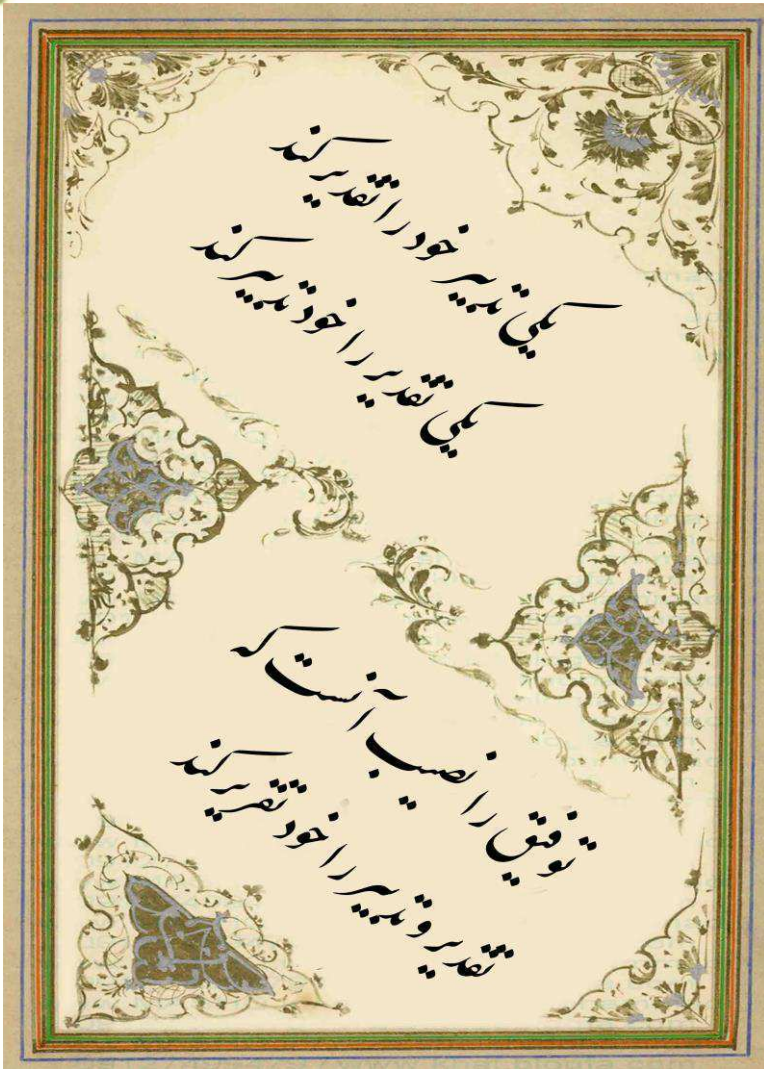
- ❖ برداشت ما از درستی یا نادرستی هرچیزی، به چیزی وابسته است.
- ❖ به پاس دیگران خودمان را و به پاس خودمان دیگران را دوست داشته باشیم.
- ❖ دلباختگی درلایه آخر هستی آدم است.
- ❖ دورویی پیش آغاز گستاخی است.
- ❖ به اندیشه دگرگونی آینده باشیم نه گذشته.
- ❖ برای کشورداری فرهنگ کشورداری نیاز است.
- ❖ کسانی که از نسک رویگردان شود با یاهو خودمانی می شود.
- ❖ همانگونه که پیمان این نیست هرکه دردلما هست درزندگی مان هم باشد، پیمان این هم نیست هرکه درزندگی مان هست دردلما هم باشد.
- ❖ دوستی راستین درآدمهای آزاد است.
- ❖ بیم خامه کمتر از بیم تفنگ نیست.
- ❖ خرد از تن جدا شود ارزش تن پایان می پذیرد.
- ❖ کسیکه آگاه شد دیگه نادان نمی شود هرچند بزور.
- ❖ ما برای زنده ها زندگی می کنیم نه مرده ها.
- ❖ با آمیختن آیین درنوبن نمی شود شهریر شد.
- ❖ آدمی گری پاک است نه آدم.
- ❖ پاسخ درست به دشنام پاسخ ندادن است.
- ❖ درخردورزی خوشآمد نیست.
- ❖ به کسیکه ارزش شنیدن آری را ندارد ناگزیر بگوئید نه.



- ❖ گاهی باید فراموش کرد ولی نبخشید و گاهی هم باید بخشید ولی فراموش نکرد.
- ❖ از جنگ افزار کمتر از خامه سبزیاید ترسید.
- ❖ اگر داد گرفتنی است، زندگی داد است نه مرگ.
- ❖ دودمان پیروزمند دودمانی است که سود گروه را بر سود تنهایی برتری دهد.
- ❖ برخی زیاد دوست دارند که دیگری را فراموش کنند.
- ❖ برآیند پافشاری بر راست شنیدن دروغ شنیدن است.
- ❖ زمانی لغزش به گزینش دگرگون شد تکرارش ناگزیر می شود.
- ❖ اندیشیدن همیشه نو است هر چند اگر با اندیشه ی کهنه هم اندیشیده شود تنها بوی کهنگی می دهد.
- ❖ هیچکس برای رنج کشیدن آفریده نشده ولی تو با رنج هم شادی کن.
- ❖ بهترین تیمارگر برای زن دلدادگی است.
- ❖ برخی آدمها تکرار می شوند و برخی هم تک یار.
- ❖ نه سهش را به پای زندگانی و نه زندگانی را به پای سهش تباه نکنیم.
- ❖ کشور پیشرفته به چم کشورداردنبال دانشمند باشد نه وارون.
- ❖ درهمبودگاهی که زربوغ شود بی گمان یوغ ها زرین می شوند.
- ❖ رد پا جا بذاریم نه جای رد پا بذاریم.
- ❖ برای خرد داشتن باید آدم بود و برای آدم بودن هم باید خرد داشت.
- ❖ کودک نیاز به دلدادگی زندگان دارد نه تاریخ مردگان.
- ❖ تنها مردگان هستند که هر دم چیزی از دست نمی دهند.

- ❖ دوری دوستی نیست چون دوری به چم اینکه دوری.
- ❖ چه بسا درست انگاری بی خردی نباشد وانگه راستگویی هم نیست.
- ❖ اگر آدمها را می شناختیم دلباختشون نمی شدیم.
- ❖ هیچ جانور درنده ای هر چند دیرزمان با رسانه رام نمی شود.
- ❖ با زن ازراه هوش و بادل باید گفتگو کرد.
- ❖ درسزمینی که دارایی مردگان بیش از زندگان است اندیشه رشد نمی کند.
- ❖ اندیشه آموزگاران هرکشوری نماد پیشرفت آن کشور است.
- ❖ کم خردی است با خرد دیگران خردمند بودن.
- ❖ همبودگاهی که آگاهی کشورداری ندارد فرنشین ها ازرای ها نیست، وارون رای ها از فرنشین هاست.
- ❖ شمارزبادی از همانهایی که شایسته ارج نهادن هستند شایسته باورنیستند.
- ❖ با سرگرمی نمی شود دلگرمی ایجاد کرد بروارونش شدنی است.
- ❖ دریافت ما ازراستیگی تنها دریافت ماست نه راستینه.
- ❖ اگر بیندیشی که امروزنخستین و یا آخرین روز زندگی ات هست درهر دوچگونگی درست اندیشه کرده ای.
- ❖ بد همان خوبی است که توده می پسندد.
- ❖ نادانی ام را نزد خودم بردانשמند بودن دردید دیگران برتری میدهم.
- ❖ همکاری با ستمگر بیشتر از خاموشی دربرابرستم نیست.

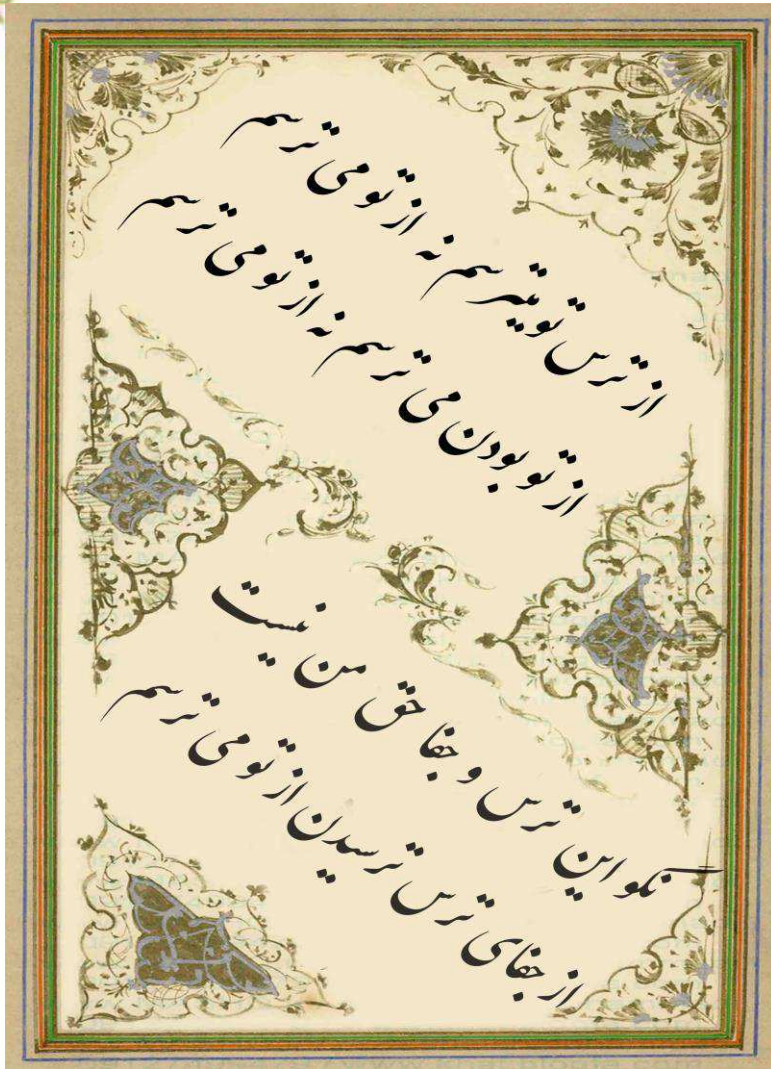
- ❖ اگر توانستی سخنهایی که به خودت میزنی به من هم بگویی به چم من دوست هستم.
- ❖ همه دردرون درجنگ هستند تودربرون سازش پیشکش کن.
- ❖ جهان سوم را سهش ها سامان می دهند نه خردمندی.
- ❖ آرامش راستین به چم گزینش کوچک نگرانی بزرگ باشد.
- ❖ آزادی به چم فرمانروا از مردمش بترسد نه مردم از فرمانروا.
- ❖ فرمانروای خونریز توانایی اش پشت گرمی بر نادانی مردم است.
- ❖ همه بی خرد ها پیش از این با خرد بودند.
- ❖ ما نماینده هستی خود هستیم نه دیگران.
- ❖ هرباوری که ریشه اش دریاوه باشد میوه اش تبهکاری و نابودی است.
- ❖ آدمها مانند سخن هایی که می گویند نیستند و نکه مانند سخن هایی که نمی گویند هستند.
- ❖ فریفته ی مردمان هراس انگیزتر از مردم فریب است.
- ❖ جهان آرای خوب پیش بینی می کند نه پیشگویی.
- ❖ پیش آمدی به جهان آمدیم و بختامدی از جهان میریم ولی گزینشی زندگی می کنیم.
- ❖ سرنوشت را می توان از سرنوشت ولی کوتاهتر.
- ❖ رفتن چه بزورچه به گزینش هردو هم چم واژه یادبود است.
- ❖ شماربیشتر همیشه بیخرد نیستند ولی بیخرد ها همیشه شماربیشتر هستند.
- ❖ گاهی پرسش نشانه دانایی است و پاسخ نشانه نادانی.



- ❖ درهمبودگاه بی دادگر، آزادی از هوده گذشته ونکه بایستگی است.
- ❖ بین دگرگونی جهان و خود، دگرگونی خود سخت ترین است.
- ❖ هرچه نادان تر به دوزخ نزدیک ترو از بهشت دورتر.
- ❖ چیزی که بین آدمها هموند است شرمساری ندارد همانند سال.
- ❖ به آرمان یک باراندیشه کن ولی به راه همیشه نگاه کن.
- ❖ زندگی خوب با اینکه کوتاه است ولی یک بار بس است.
- ❖ هراسناک ترین جای جهان درون مغز آدمها است.
- ❖ زمان زندگی خالی از برنامه پرشتاب می گذرد.
- ❖ آرزوی مرگ دیگران کامیابی ما را فراهم نمی کند چون هرکسی جای خودش ایستاده.
- ❖ اگرپاسخی به پرسش های فرزندان نداری آن را به جهان نیاور.
- ❖ ارزش من با رفتارم با دیگران آشکار می شود نه دیگران با من.
- ❖ هیچ آدمی کودن به جهان نمی آید ونکه با آموزش نادرست بیخرد می شود.
- ❖ من با پیش آمد این هستم پس هیچ پیش آمدی بالیدن ندارد.
- ❖ زمین بازمانده کسی نیست، آدمها برابرنند پس مرزبندی نکنیم.
- ❖ هرچیز بی چونی و گمان انگیز نیازبه آگهی دارد.
- ❖ درراه کامیابی راه مهم است نه شتاب.
- ❖ من هستم ولی پاره ای ازباشندگان نه برجسته آفریده ها چون دیگران هم سزاوار زندگانی هستند.

- ❖ نه زنان دام اهریمنند و نه اهریمن جنگ افزارمردان و این نادانی پنهان است.
- ❖ همبودگاهی که آموزگارش سخن تازه ای ندارد همبودگاه نیست ونکه رمه است.
- ❖ دانش آموختگی ازخرد است ولی خرد دانش آموختگی نیست.
- ❖ شهری که کبابسرا بیشترازنسک خانه دارد نخستینگی شکم است نه فرهنگ.
- ❖ بی خردان را هیچکس دوست ندارد چه بسا خود بی خردان.
- ❖ همه می گویند دلباختگی آمدنش دست ما نیست ولی من می گویم رفتنش بی گمان دست ماست.
- ❖ آدمها درتنهایی رویه های یکسان دارند ولی دردریافت تنهایی جدا از هم هستند.
- ❖ آموزگاربايددرزندانی که پدرو مادربرای اندیشه ها ساختند بازکند نه اینکه کلون بزند.
- ❖ هرچه باورژرف ترباشد اندیشیدن سرسری ترمی شود و وارون.
- ❖ ابزارها را بکار بگیریم و آدمها را دوست بداریم نه وارون.
- ❖ زندگی با برآمدن آفتاب آغازو با شامگاه پایان می یابد پس خودمان را به خودمان بدهکار نکنیم.
- ❖ همبودگاهی که خردکشورداری را ندارد، همه پرسى گزینش خودکامه هاست.
- ❖ زن نسک به دست دربرابرستم سرخم نمی کند.

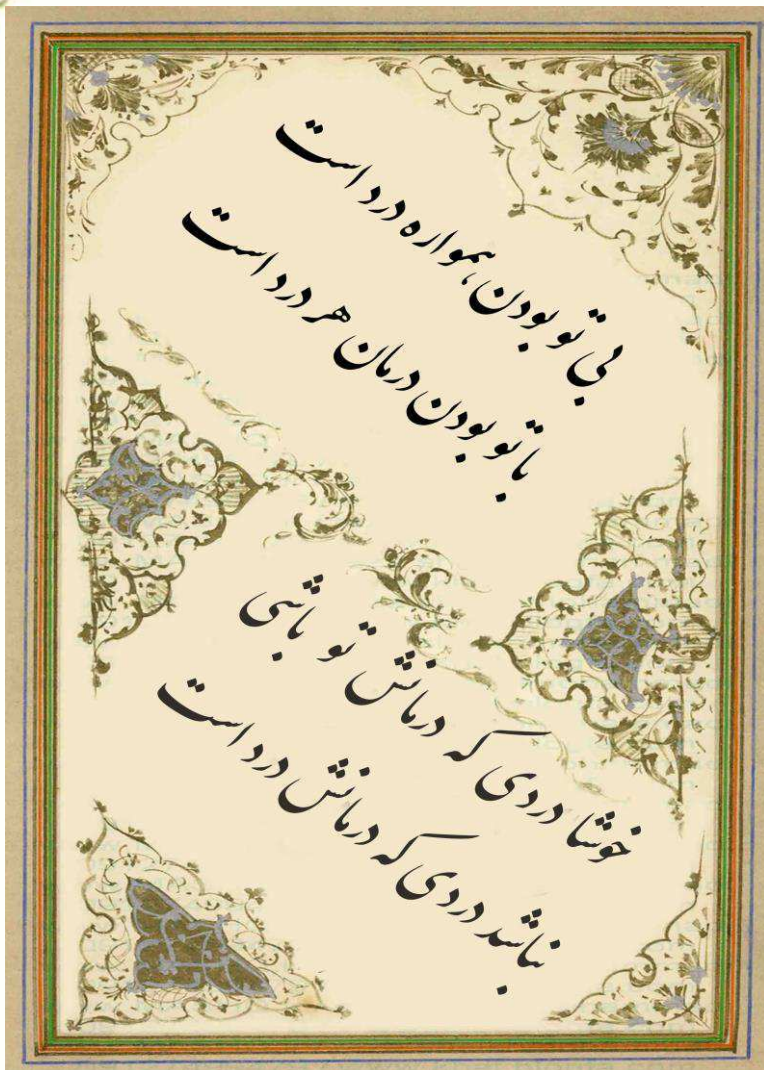
- ❖ در فراز بیدادگری، خاموشی ات در فریادها به یاد خواهد ماند.
- ❖ با خواهش به این جهان پا نداشتیم که با خواهش زندگی کنم.
- ❖ بینوایی فرهنگی به چم نخستین گفتاری که یاد می گیری بابا نان و آب داد باشد.
- ❖ تهیدستی که شکم برا مغز درست کند بیمناکتراز تهیدستی است که مغز برای شکم درست می کند.
- ❖ زیستگاه دگرگون بسازیم نه همبودگاه ناجور.
- ❖ برای سرزنش همبودگاه بیاد بیاوریم که ما هم هموند همان همبودگاه هستیم.
- ❖ برای دگرگونی همبودگاه، خودمان را دگرگون کنیم، خودمان سنجه خودمان باشیم.
- ❖ این گفتار که هیچ چیز همیشگی نیست را خوب بفهمیم.
- ❖ دلدادگی هم اندازه دارد و هم مرز چون نمی شود دلداده ی همه شد.
- ❖ اگر جویای نام هستی با مردم یگانه باش نه بیگانه.
- ❖ هر چیزی که انسان را وادار به تفکر کند، سخت و پذیرشش سنگین است.
- ❖ در همبودگاه بز هکار، بز هکار ناتوان نابود می شود.
- ❖ همیشه که نباید به کشورت ببالی، کاری کن که کشورت به تو ببالد.
- ❖ بین آزمودن و دنباله روی کردن، اندیشه کردن را گزینش میکنم.
- ❖ تنها دادرسی دشوار، دادرسی خود است چون نماینده و داور هم خودت هستی.



- ❖ یاد بگیریم هنگامی می گوئیم همسربه چم نه کم سرنه برسر.
- ❖ برای دیدن خانواده زمان خالی کنید، دنبال زمان خالی نگردید.
- ❖ بردگی به چم هرچیزی است که آدمها را دریک ردیف باوری نگه دارد.
- ❖ هیچ کارناخواسته ای چاره و پایدانی بهشت ناخواسته ای نیست.
- ❖ هرسامانی خوب نیست چون سامان مردم سالاری هست، سامان خودکامگی هم هست.
- ❖ کسانیکه شبانه روزدردهان ما می نهند که به یاری نیازدارید تبهکارند.
- ❖ تا شماری بیدارنباشند شماری دیگرآسان نمی توانند بخوابند.
- ❖ درباری اگر دینی شد بیرون ازگستره بازرسی می شود.
- ❖ برای جلوگیری از بی دادگری باید توانایی دربارها مهار شود.
- ❖ به آدمی که هم روزگارمن نیست نمی گذارم برای من خانه بسازد.
- ❖ بودن نکوهشگر به چم چیزی برای نکوهش هست پس نکوهشگر دشمن ما نیست.
- ❖ تهیدستی به یک گروه ویژه زیان نمی رساند وانگه آفت یک همبودگاه می شود.
- ❖ هیچکس همیشه نمی تواند خاموش بماند چون خردمندی نمی گذارد.
- ❖ زندگی هرآدمی به چم پیدا کردن خود درخود.
- ❖ تنها ازبیزاری باید بیزار بود و دیگر ازهیچ.

- ❖ هرباوری که نکوهش نشود به دست باورمندان خود خاکسپاری خواهد شد.
- ❖ روشن بین راستین بدون ترس از انگارگان فرمانروا در جستجوی درستی و راستی شدنی است.
- ❖ زندگی با واژه های ناهمسان سپری می شود نه همانند.
- ❖ من آنچه می نمایم نیستم، نمای من را با نهان خودت سنجش نکن.
- ❖ بزرگی این نیست که آهسته از اندوه به شادی و از شادی به اندوه دگرگونی چهره دهیم.
- ❖ دیده باید پیش از هوش آغاز بکار کند. نه هوش پیش از دیده.
- ❖ فرمانروایان آموزگار راستین نمی سازند ولی آموزگاران فرمانروای راستین می سازند.
- ❖ در آرنج همه برابرند و در خرد هیچگاه برابر نخواهند شد.
- ❖ پایه هردرباری که بر پایه یکسانگری و آزادی بیان باشد از پایداری و استواری برخوردار است.
- ❖ چشم براه بودن آدم را نمی سازد، وانگه دگرگون می کند.
- ❖ باوری که با رنگ و آذین توده را به یکدست کند باور نیست و نکه رنگ و آذین است.
- ❖ هر زمان توانستی خودت را برای یک نابینا باز نمود کنی، سخن بگو.
- ❖ نگوتو کدبانویی و نگو تو کدبانوی بگوتو آدمی باید کار خوب انجام بدی.
- ❖ نه من مانند کسی هستم و نه کسی مانند من، همه ما تنها ایم.
- ❖ در جهانی زندگی کنیم که آدمها تنها یک بار بمیرند.

- ❖ در بچگی نباید مانند همه بود، در بزرگسالی همه مانند هم می شوند.
- ❖ گریه هیچگاه امید نیست و نکه دل آسایی است.
- ❖ توده برای کمتر رسیدن باید بیشتر بداند.
- ❖ فراموشی باید اندک اندک باشد و گرنه هر چه را که بخواهی فراموش کنی ماندگار ترمی شود.
- ❖ کارایی پژوهش در آینده آشکاری شود و نبود پژوهش همیشه.
- ❖ کسانی که با چرایی شما را دوست دارند، بدون چرایی از شما بیزار می شوند.
- ❖ هراسی در مرگ نیست چون نیستی پیش از زاده شدن با پس از مرگ ناهمگونی ندارد.
- ❖ خشک اندیشی به چم پافشاری بردستمایه ای که نمیدانی درست است یا نادرست.
- ❖ چه کسی بودم و چه کسی هستم و چه کسی خواهم شد، هر سه خواسته خود ویژه است.
- ❖ هرفروزه ای که در دیگری شمردم اندکی از آن در خود دیدم.
- ❖ اگر تنهایی را آمادگی داشته باشی، دلباختگی را بهتر دریافت می کنی.
- ❖ دو زمان بزرگ است، یکی زمان بدست آوردن و یکی زمان از دست دادن فرمانروایی.
- ❖ فرزندان دلدادگی زادوران را می خواهند نه اندیشه آنها را.



- ❖ هیچ آسایی نباید راه سنجیدن برخورد را بند آورد.
- ❖ ناپاک ترین دادو ستد، سوداگری نان و آزادی است.
- ❖ بالیدن به میهن خوب است به پیمان اینکه چند و چون با ارزشی در خود برای بالیدن باشد.
- ❖ تلاش کنیم مانند خودمان باشیم نه مانند چیزی که شماریشتری از همبودگاه می گویند بهنجار.
- ❖ تنها انگیزه برخوردارشدن از جایگاه باید توانایی و شایستگی باشد
سوای از نرولاسی، رنگ ، نژاد...
- ❖ تازمانی که آدمهای دیگررا آدم می شناسم، آدم هستیم.
- ❖ درسامان خودکامگی دانایی تاوان و نادانی پاداش دارد.
- ❖ آدمهای پایدار تنها یک بار خودشون را واگذار می کنند آنهم دربرابر مرگ.
- ❖ تنها با آگاهی آزادی بدست می آید و با آزادی ازخودگذشتگی.
- ❖ اندیشه بد بدتربود ازکاربد چون اندیشه بدتورا به رنجش می برد و
کاربدتورا به سنجش می کشد.
- ❖ برسنگ مزارم بنویسید، اینجا کسی هست که روزی
آمد، ماند، شد، بود، رفت..... تنها چند کنش و واکنش .
- ❖ یاوه توانگرت می کندوتوانگری فساد می آورد آنگاه فسادیاوه
می آفریند واین چرخه ادامه دارد.
- ❖ هنگامی می خواهم به چم می توانم و هنگامی می توانم به چم
می دانم است و هنگامی می دانم به چم می خواهم است.

- ❖ لیوان نیمه ی آب را نه پرگمان که نیمه ی خالی ببینیم نه خوشبین که نیمه ی پر ببینیم. باشد که از بالا ببینیم.
- ❖ اگر آسودگی با بهبود خرد همراه نباشد تباهی بیار می آورد.
- ❖ در گفتار فریب بیشتر است تا در کردار.

بعد من نیست آنچه کار من بود
تا که بودم آن کار یار من بود

در نبودم کار من و یار من
هر دو محرم چون افکار من بود